



# نقد معرفی

# ادبیات

کارل کائوتسکی  
و انقلاب سوسیالیستی

۱۹۳۸ - ۱۸۸۰

## Karl Kautsky and the Socialist Revolution 1880-1938

نویسنده: ماسیمو سالوادوری  
انتشارات نیولفت ریویو  
کتاب

نویسنده کتاب

ماسیمو سالوادوری متولد ۱۹۲۶ تحصیلات خود را در دانشگاه های تورین (ایتالیا) و لاپزیک (آلمان شرقی) به پایان رساند و اکنون به تدریس «تاریخ معاصر» و «فلسفه» در دانشگاه تورین اشتغال دارد. سالوادوری از اواخر دهه ۶۰ همکاری خود را با نشریه *il Manifesto* شروع و سپس وابسته به حزب سوسیالیست شد. به استثنای کتاب کارل کائوتسکی و انقلاب سوسیالیستی ۱۸۸۳ - ۱۸۸۰ او تا کنون دو کتاب راجع به آنتونیو گرامشی، یک کتاب راجع به لنین و آخرین اثرش را راجع به کمونیسم اروپائی و سوسیالیسم شوروی به رشته تحریر در آورده است.



کارل کائوتسکی

در تاریخ اندیشه سوسیالیسم، کارل کائوتسکی نامی آشناست یارو پیرو انگلس و مری لنین. او مارکسیسم انقلابی را در آغاز جنگ بین المللی اول به همراهی سوسیال دموکراسی آلمان به شکوفائی رساند. پس از پایان جنگ از او به عنوان رقیب بین المللی بولشویکها و کسی که در برابر تلاش های روز لوترامبورگ در تهیه مقدمات انقلاب آلمان، ایستادگی کرد، یاد میشد. کائوتسکی در سالهای آخر زندگی که شاهد سقوط جمهوری وایمار و تولد فاشیسم بود، به تألیفات متعدد دست زد و در آستانه شروع جنگ جهانی دوم در گذشت. در نگرستن به خط سیر تکامل تفکر کائوتسکی توجه به مفاهیم دموکراسی، انقلاب، سوسیالیسم، امپریالیزم، فاشیسم و اینتلجنسیا (روشنگران) که مشغولیت های فکری او را تشکیل میداد، مهم است و تصویری که از کائوتسکی سرانجام به دست می آید شگفت انگیز است. کائوتسکی از سال ۱۸۹۳ با مفهوم «دولت کارگری» مارکس مخالف بود و در تمام دوران حیاتش با مدل «انقلاب سوسیالیستی» لنین به سبزه برخاسته بود.

توجه بیشتر به آثار کائوتسکی نشان میدهد که مهمترین مسایل مورد بحث کمونیسم اروپائی (یورو کمونیسم) معاصر، قبلاً از طرف او مورد بررسی و مباحثه قرار گرفته بود. از جمله تفرق برتر پارلمان، وجود اجتناب ناپذیر یک دستگاه عظیم جاودان بورکراتیک (دولت) و یکی شدن حکومتهای ائتلافی با احزاب بورژوازی برای جلوگیری از وقوع قیام توده ها و یا جنگهای داخلی در گذر به سوسیالیسم. کائوتسکی شاید اولین متفکر مارکسیست بود که جامعه شوروی را به مثابه «دولت کاپیتالیستی» و دستگاه حکومتی - اداری آن را به عنوان «طبقه جدید» معرفی کرد. توجه به آثار کارل کائوتسکی در جستجوی یافتن استراتژی نوین برای جنبش سوسیالیسم در اروپا ضروری است.

سرانجام پس از نیم قرن سکوت، یکی از بزرگترین متفکرین مارکسیست مورد بررسی مجدد قرار می گیرد. نگاهی اجمالی به آثار کلاسیک بولشویزم (لنین و تروتسکی) پس از انقلاب اکتبر نشان میدهد که چگونه تصویر کلیشه ای از کائوتسکی به عنوان شخصی که مارکسیسم را مخدوش کرد، تا کنون جریان داشته است. در حقیقت رجعت به کائوتسکی نشان دهنده و نمایانگر بحران عمیقی است که اکنون در درون مارکسیسم شکل گرفته است. بحرانی که به هیچ وجه با تئوریهای نوع مارکسیسم شوروی قابل توضیح نبوده و بالاخره تصادفی نیست که نویسنده کتاب خود از معتقدین به کمونیسم اروپائی (یورو کمونیسم)، و در صدد یافتن راه حلی غیر لنینی برای تحقق سوسیالیسم است!

حقیقت این است که تفاوت میان مارکسیسم لنینیسم و مارکسیستی که کائوتسکی نماینده آن است تفاوتی ست عمیق و ریشه دار که ناشی از دو نوع برخورد آسیائی و اروپائی با سنت فکری مارکس است. کارل کائوتسکی در طول تحول اندیشه اش تغییرات فراوان می یابد. زمانی که ریویزیونیسم برنشتاین را در اواخر قرن نوزده مورد انتقاد قرار میدهد تأکیدش بر گرایش های تجمع یابنده سرمایه است که سرانجام طبقه متوسط را از میان خواهد برد. اما سالوادوری نویسنده کتاب در بخش جالب مربوط به بررسی و ارزیابی بولشویزم آنچنان تفاوتی میان کائوتسکی جوان و پیر نمی گذارد.

کائوتسکی چه در مورد مسأله پارلمان و چه در اثر معروف خود بنام مسأله ارضی با تئوری و مدل لنین از دولت مخالف است. او اعتقاد دارد که سوسیالیسم بدون وجود پارلمان و بورکراسی معنا نخواهد داشت و در حقیقت درست بر خلاف آنچه لنین تصور میکند برای کائوتسکی پارلمان و بورکراسی مظاهر زندگی مدرن سیاسی می باشند و هر نوع تلاش برای از میان بردن آنها، نتایج وخیمی را بلنبال خواهد داشت. از دیدگاه کائوتسکی در بولشویزم، بورکراسی دولتی و بورکراسی سرمایه یک سازمان واحد را تشکیل میدهند که نتیجه مستقیم بولشویزم است و جانشین شدن دموکراسی توسط شوراهای کارگری سبب پسیدایش بورکراسی جدیدی است که دموکراسی را نابود خواهد کرد (صفحه ۲۷۲).

در اینجا بحث کلاسیک دموکراسی شوراها و دموکراسی پارلمان مطرح میگردد و اگر چه لنین به یادداشتهای مارکس در مورد کمون پاریس ۱۸۷۱



شانزده پتوفی

شاعر مجار  
۱۸۴۹ - ۱۸۲۳

### خون و خیش ...

این همه عرق ریختن چرا ؟  
مادر زمین به فاشده دستی  
از برای خوردن و پوشیدن  
آن قدر که لازم اوست  
بدو می بخشد.

و چرا شمشیر و این همه خون  
از برای زمانی که دشمن فر  
برای دفاع از وطنش ؟ را  
بدون حق، که وطنی و -  
و بدینان هم، که حقی

به یک دست کاو آهن را نگه میدارد  
به دیگر دست شمشیر را.  
و بدین گونه ، توده فقیر  
عرقش را می ریزد، خونش را می ریزد  
تا بدان هنگام که جان در تن اوست.

خواب سنگین

آمد

تا تورا دررباید

تا تورا دررباید

دانشجوی غمگین

نگهبانی میدهد،

یک روز تو نیز شنیدی،

آوای آتشین گری پرا

آوای آتشین چربک.

از میان پنجره

بر چهره ات چشم دوختم،

در گهواره امن

سالهای دراز

ترو خشکت کردم

نگرانت بودم

از میان پنجره

چشم براهت بودم

وقتی کتابها را

لغت به لغت

به تو آموختند

به تو آموختند

و آنگاه پنجره ای دیگر

بر روی تو بسته شد

پنجره ای که بجای شیشه

میله هائی داشت

از آهن سیاه

از آهن سیاه

چقدر پنجره دارد

زندگی یک انسان

آنقدر پنجره دارد

زندگی یک انسان

آنقدر پنجره

چه کسی باورش می شود؟

آهن را بریدی

چقدر پنجره دارد

زندگی یک انسان،

پراز پنجره است

کسی باور نمی کند،

پنجره ای کز میان آن



اشاره میکند و مدعی است که دولت جدید سوسیالیستی باید بر آن پایه گذاری شود، برای کائوتسکی شیوه گذر به سوسیالیسم به شکلی دیگر مطرح است. کائوتسکی در مورد نقد و بررسی بلشویسم اعتقاد دارد که از بین رفتن پارلمان منجر به پیدایش یک قدرت متمرکز خواهد شد.

کائوتسکی در اواخر دهه ۲۰ و قبل از تسلط نازیسم بر آلمان درگیر بحث های مهمی با مارکسیست های اتریشی و آلمانی در مورد ماهیت طبقاتی شوروی میشود. فریتس آدلر و اوتو بایر معتقدند که بلشویزم حداقل توسط بخشی از پرولتار یا تقویت میشود و احزاب سوسیالیستی باید در دفاع از آن بکوشند. رشد و توسعه فاشیسم در اروپا مقارن با پیدایش جبهه متحد احزاب سوسیالیست و کمونیست است اما وضعیت در آلمان متفاوت می باشد و در اینجا حزب کمونیست حاضر به هیچ نوع همکاری با سوسیال دموکراتها جهت مقابله با نازیسم نمی باشد. در اواخر دهه ۲۰ کائوتسکی خوش بینی بی موردی در مورد عدم امکان پیروزی نازیسم در آلمان دارد و در حقیقت معتقد است که تاکتیکهای افراطی چپ حزب کمونیست سبب می شود که نیروهای ارتجاعی و دست راستی بتوانند موقعیت محکم تری پیدا کنند و نهاد های دموکراسی را نابود سازند. بدین ترتیب است که کائوتسکی در اواخر عمر به انتقاد بیشتری از شوروی و گروه های افراطی چپ می پردازد.

کائوتسکی در حقیقت اعتقادی به تلفیق قوه مجریه و قضائیه آنطور که مورد نظر لنین است ندارد. کائوتسکی اشاره می کند که اگر چه مارکس ظاهراً از این نوع تفکر دفاع کرده، ولی در حقیقت تلفیق قوه مجریه و قضائیه بیشتر مشخصه دوره ژاکوبینیسم انقلاب کبیر فرانسه است. از نظر کائوتسکی تقسیم قوا در جامعه یک امر طبیعی و دموکراتیک است و در حقیقت او معتقد است که وجود یک قدرت واحد منجر به از بین رفتن دموکراسی خواهد شد. از طرف دیگر برای کائوتسکی استالینیسم نوعی انحراف یا ضد انقلاب است.

از دیدگاه کائوتسکی مدل بلشویکی سوسیالیسم نه تنها قادر به از بین بردن طبقات در جامعه شوروی نبوده، بلکه در حقیقت ایجاد کننده نوعی نظام صنفی جدید است. اما تا آنجا که ساختمان و شالوده حزب سوسیال دموکرات آلمان مطرح است انتقادات بسیار زیادی نسبت به آن و هم چنین نسبت به کائوتسکی صورت گرفته است.

یکی از مهمترین این انتقادات در رابطه با این واقعیت است که

سوسیال دموکراتهای آلمان در ۱۹۱۸ دست به تغییر شالوده ای و ساختی در جامعه آلمان نزدند. طبقات زمیندار، بورکراسی و سازمان نظامی آلمان قیصری بدون تغییر فاحشی از مرحله سلطنتی وارد جمهوری وایمار شد. این ضعف سوسیال دموکراتها در قبال ایجاد سازمانهای اجتماعی دموکراتیک سبب گردید که جمهوری وایمار از درون متزلزل و ضعیف باقی بماند. بدین شیوه است که بسیاری از ارزیابی های تئوریهای کائوتسکی بخصوص در دهه ۲۰ نوعی توجیه کننده ضعفهای اساسی و عمیق حزب سوسیال دموکرات آلمان می باشد. البته باید توجه داشت که پس از انقلاب بلشویکی گرایش جدیدی در بین روشنفکران آلمانی و اروپائی مرکزی رخ میدهد که در این گرایش تفکر مارکسیستی انترناسیونال دوم که سمبل آن کائوتسکی است، کنار گذاشته میشود. در رابطه با همین گرایش است که اندیشه گئورگی لوکاچ، پنه کوک، کارل کوروش و ویلهلم رایش و..... رشد میکنند و مدل مارکسیستی کائوتسکی مدلی مکانیکی و تقدیر گرا تلقی می گردد.

در مارکسیسم جدید اواخر دهه ۲۰ تأکید از «اجتناب ناپذیری تاریخی» به عمل «پراکسیس» منتقل میگردد و بدین شیوه است که مارکسیسم دهه ۲۰ اروپائی برخلاف مارکسیسم انترناسیونال دوم بر جنبه های دینامیک دیالکتیک تأکید بیشتری دارد. در اینجا هگل و بوزیه اثرش «پدیده شناسی روح» در محتوای دیگری تعبیر می شود و بجای ابعاد اقتصادی تئوری کلاسیک مارکسیستی ابعاد فلسفی و شبه هگلی اهمیت بیشتری می یابد و از آنجائیکه مارکسیسم اواخر قرن نوزده که بهترین نمودار آن کائوتسکی است بیشتر به گرایش های و جریانهای اقتصادی کاپیتالیسم توجه دارد، این نوع فکر طبعاً اهمیت خود را از دست میدهد، اما دقیقاً پس از سرخوردگی مارکسیسم دهه ۲۰ است که حداقل پاره ای از روشنفکران اروپائی کوشش میکنند خود را از ابعاد فلسفی، اخلاقی و زیبا شناسانه مارکسیسم دهه ۲۰ رها سازند و در حقیقت در این مقطع زمانی است که کائوتسکی مجدداً «کشف» میگردد. این «کشف» مجدد کائوتسکی از یک سونشان میدهد که لنینیسم سنتی لااقل برای کشورهای پیشرفته صنعتی دارای چندان معنا و مفهومی نیست و از سوی دیگر نشان دهنده این واقعیت است که مسائل کلاسیک مارکسیستی مانند تئوری طبقات، تئوری دولت و جریانهای اقتصادی کاپیتالیسم دارای اهمیت و بزه است.



## PABLO NERUDA

شتاب رفتش را چون کنم باور؟  
 که پابرجای کوهی بود  
 در آتش های ژرفای زمین پایش  
 سرش بردامن خورشید  
 ندایش بانگ آزادی و شعرش نغمه ی امید  
 و او خود همچو آزادی و امید است جاویدان.  
 سرودش سنگر آزادمردانی  
 که می جنگد با دنیای ظلمت زای جلاخان —  
 تبهکاران که اکنون تشنه خونند  
 و در سود پلید خویش مقبوند...

شکست دشمنش را میکنم باور  
 حماسی های فتح میهنش را میکنم باور،  
 شتاب رفتش را چون کنم باور؟  
 هنرمندی توانا بود  
 رسالت داشت از قرن بزرگ فتح ها  
 پابلونرودا بود.

نرودا هست.  
 نرودا در جهان روشن امروز و فردا هست.

### بیاد پابلونرودا

ژاله

شاعره تاجیکستان شوروی

پریدی از دیوار  
 بیرون دویدی  
 و گلوله ..... ها،  
 خونش را  
 ریختند  
 بر  
 روی  
 خاک،  
 آی آی آی  
 از رگهای تو

□  
 خوابش چه سنگین است،  
 در دل این سنگ  
 پسرمن،  
 چه سنگین خوابیده،  
 ولی در رزم چریکها  
 او جاویدان است  
 او را می بینم  
 هر مرد که می افتد  
 ساعت به ساعت  
 رشد می کند و سترگ می شود  
 پیکار ما  
 برای آزادی.



### ریسمان نفاق

دیگر او را نیاز  
 هم چون آب پاک نمی نوشد  
 دیگر با زتاب اندیشه اش  
 رهائی پرنده ها نیست  
 دیگر برای او گوئی  
 ما کتاب بسته ای را میمانیم،  
 و دست معجزه ای می باید  
 تا این کتاب را ورق بگرداند  
 و تیزتر از پرتوهای خورشید خرد  
 خنجری می باید  
 تا ریسمان نفاق را پاره کند

دوم مه ۱۹۷۹ هما در آهنگ



# بررسی شیوه های تولیدی (۲)

فرهاد آشوری

## برده داری \* فنودالیزم \* نظام تولید آسیائی

حال که بصورت اجمالی مناسبات برده داری و فنودالی را از سه نقطه نظر بررسی نمودیم به ویژه گیهای جوامع آسیائی می پردازیم. مسأله ای که امروزه بیش از هر زمان دیگر مورد بحث قرار دارد شیوه تولید آسیائی است. منشأ این بحث از آنجاست که در میان زمین ها و اسلاوها هم چنین در شرق باستان برده داری بشکل حاکم آن در مردم بصورت یک نظام اجتماعی مشاهده نشده و اصولاً پایه مستقیم اقتصاد نبوده است. شواهد تاریخی بر آنست که در روسیه - هند - مصر و بابل در رشته های اصلی تولید یعنی کشاورزی و صنایع دستی بردگی هیچگاه نقش مسلط نداشته است. در نقاطی بردگان را روی زمین بکار میگذارند و برخی نقاط دیگر آنان را بصف سپاهیان ملحق میساختند. از اینرو در تمامی این جوامع نیروی مولد دهقانان بوده اند و نه بردگان.

خصوصیاتی از این قبیل با مشخصات هیچیک از دورانهای بردگی و فنودالیزم کلاسیک مطابقت ندارند. بهمین دلیل برخی از جامعه شناسان قبل از مارکس و انگلس دست به تحریر مطالبی درباره تفاوت میان جوامع شرق و غرب زدند. اگر چه مارکس و انگلس بسیاری از مطالب پیشینیان خود را نفی نمودند لیکن نهایتاً با ارجاع دوباره بآنها همان مطالب را بشکل فرموله تری ارائه داشتند.

کسانی نظیر هگل - برنه - مونتسکیو - جونز - بودین - ماکیاول - یکن - اسمیت - هرینگتون - میل و غیره جوانب مختلف و گاهی یک یا چند جنبه از تفاوتها را بین شرق و غرب را مورد بررسی قرار دادند که مهمترین این جنبه ها در آسیا برخلاف غرب عبارتند از ۱ - مالکیت دولت بر زمین ۲ - فقدان قید و بندهای حقوقی ۳ - جایگزینی مذهب بجای قانون ۴ - فقدان اشرافیت موروثی ۵ - برابری برده و اراجماعی ۶ - پراکندگی و انزوای جوامع روستائی ۷ - برتری کشاورزی بر صنعت ۸ - شبکه های آبیاری عمومی ۹ - شرایط اقلیمی گرم و سوزان ۱۰ - سکون تاریخی و بالاخره استبداد مطلق شرقی.

عمده ترین بخش از مسائل فوق که مورد توجه مارکس و انگلس قرار گرفت و به بررسی بیشتر در این مورد پرداختند و به عوامل دیگر آنها اشارات ضمنی داشته اند عبارتند بودند از:

- ۱ - فقدان مالکیت خصوصی و مالکیت دولت بر زمین.
- ۲ - وجود جوامع روستائی خود کفا و بسته که در چهار چوب یک اقتصاد طبیعی صنعت و کشاورزی را یکجا در خود جمع کرده اند.
- ۳ - نقش عمده نداشتن کاربردگی در تولید و در عوض وجود دهقانان آزاد و تحت نفوذ دولت که به سود جزء کشت کرده و به دولت مالیات میدهند و عامل اصلی استثمار دولت است.
- ۴ - دولت عامل اجرای عملیات عظیم اقتصادی و عمومی از جمله آبیاری است و بر اساس این قدرت اقتصادی و هم چنین بر پایه وجود جوامع روستائی البته حاکمیت سیاسی خود را بشکل استبداد مطلقه شرقی اعمال مینماید.

نخستین فردی که اقدام به بررسی جوامع شرقی و غربی و یافتن وجه تفاوت آنها نمود برنه نام داشت. وی نظر خود را بر این مبنا که در شرق زمین

زمین تحت کنترل و مالکیت دولت بوده و شکل خصوصی مالکیت یافت نمی شود بیان نمود. مارکس در سال ۱۸۵۳ طی نامه ای به انگلس این نظرها را تأیید و اعلام داشت که:

«برنیه بدرستی اساس کلیه پدیده ها را در شرق، (که منظور ترکیه ایران - هندوستان) باشد فقدان مالکیت خصوصی زمین میدانند این کلید واقعی شناخت پدیده های فوق حتی برای بهشت شرق است.»

در پاسخ به این نامه انگلس می نویسد: «فقدان مالکیت بر زمین در حقیقت کلید مهم تمامی شرق است. تاریخ سیاسی و مذهبی آن نیز بهمین وسیله قابل تبیین است. اما چگونه شد که شرقی ها حتی در شکل فنودالی به مالکیت بر زمین دست نیافتند. من فکر میکنم دلیل عمده اش آب و هوا و شرایط اقلیمی همراه با عامل طبیعت زمین بویژه پهناهای وسیع بیابانی باشد که از صحرا شروع شده و بطور مستقیم از عربستان - ایران هند و بیابانهای تاتار نشین تا مرتفع ترین فلات آسیا امتداد می یابد. در اینجا آبیاری مصنوعی اولین شرط زراعت است.»

بیان صریح نظریاتی این چنین نشان دهنده آنست که بنیان گذاردن سوسیالیسم علمی محل تاریخی خاصی برای جوامع آسیائی قائل بوده اند.

اطلاق صفت شرقی / آسیائی / هندی و گاهی روسی و یا اسلاوی به شیوه ای که یکی از خصائص اصلی آن مالکیت ارضی عمومی طبیعت زاد است، به چند دلیل می تواند باشد. یک آنکه این شیوه با آنکه در اروپا هم بنوبه خود و در مرحله خاص معمول بوده است، منشأ آسیائی شرقی دارد و برای اروپای باختری هم بمنزله پدیده ای میبایستی در نظر گرفته شود که اقوام آریائی از آنجا که خود منشأ آسیائی دارند آنرا از زادگاه اصلی خود به همراه آورده اند. دیگر آنکه این شیوه بویژه در آسیا و سپس در روسیه بیشتر از هر جای دیگر تا پیدایش سرمایه داری دوام یافته است. بنا بر این شکل شرقی شیوه تولید تنها منحصر به آسیا نمیباشد بلکه صورتبندی اجتماعی اولیه اروپائی را نیز تشکیل میدهد.

### بگفته مارکس

«پیشداوری مضحکی شایع شده است که گویا شکل مالکیت عمومی طبیعت زاد انحصاراً اسلاوی و یا حتی صرفاً روسی است. در حالیکه آن شکل ابتدائی است که ما نزد رومیها / ژرمنها / و کلننها هم قادر به نشان دادنشان هستیم. از اینرو میتوان اشکال ابتدائی مالکیت خصوصی زرونی و روسی را از اشکال مختلف مالکیت عمومی هندی مشتق ساخت.»

چنانکه مشاهده میشود مالکیت هندی یا شرقی یا آسیائی و روسی و صورتبندی اجتماعی مخصوص آن همان مالکیت عمومی طبیعت زادی است که شکل اولیه مالکیت همه اقوام و از جمله اقوام اروپائی را هم تشکیل میداده است. با این تفاوت که آنچه در اروپای باختری بصورت باقی مانده و استثنائی هنوز در قرنهای ۱۸ و ۱۹ بچشم می خورد در روسیه / هند و بعضی نقاط دیگر تا فرا رسیدن دوره سرمایه داری کماکان شکل عمده و فائق مالکیت بوده است. حال چرا بعضی از اقوام آسیائی و روسی بمرحله تمدن که وجه تمایز عمده آن

پیدایش و سلطه مالکیت خصوصی است داخل نشدند و تا دخول سرمایه داری صورتبندی اجتماعی اولیه خود را حذف نکردند، مسأله مورد بحث ما خواهد بود. در واقع صحبت بر سر مجموعه ای از اشکال مالکیت ارضی جمعی طبیعت زاد است که نمونه های متنوعی از آن در هند آفریقا و گرچه بعضاً بصورت ویرانه هنوز بچشم می خورند.

امر مسلم آنست که بین وجود این پدیده ها و برقراری نظام فنودالی در یک جامعه تفاوت ماهوی وجود دارد از اینرو معیارهای سنجش انواع جماعت های ابتدائی متعدّدند. برای نمونه میتوان از ۱ - شکل مالکیت و اینکه آیا قبیله ای / دولتی و یا جماعتی است ۲ - سازمان اداره جماعت و اینکه آیا دموکراتیک / پدرسالاری و یا استبدادی است ۳ - نظام خویشاوندی و طایفه ای و اینکه آیا تجزیه شده است و یا هنوز برتری دارد و ۴ - نوع کشت و اینکه آیا بطور دسته جمعی و یا انفرادی و خانوادگی انجام میگردد صحبت نمود. لیکن سنجش جماعت های ابتدائی در شرق یک عامل مشترک دارند و آن اینکه جوامعی میباشند که در آن یک واحد جامع بنام دولت در رأس مجموعه ای از جماعت های کوچک قرار می گیرد و بصورت مالک اعظم و یا تنها مالک تظاهر میکنند که در این صورت جماعت واقعی صاحب حق تصرف موروثی اش میگردد و فرد در اینجا دیگر مالک نیست. این نوع مالکیت جماعتی میتواند با باین شکل در آید که در آن جماعتی کوچک / مستقل از یکدیگر و در مجاورت یکدیگر غافلانه زندگی میکنند و در داخل آن افراد در زمین هائی که به حکم قرعه بایشان رسیده / مستقلانه / بکلمت خانواده خوش کار میکنند. یکی از اشکال جماعت های شرقی که نماینده درجات مختلف تکامل و صورتبندی اجتماعی اولیه است «جماعت زراعی است». در جماعت زراعی زمین / یا اینکه هنوز ملک جمعی است، در اداره یک یا چند ساله بین خانواده ها برای کشت تقسیم میشود. منتهی بر این پایه که کشت / تولید و مصرف خصوصی است و این با کشت اشتراکی جوامع بدوی ترمینیت دارد. نتیجتاً جماعت زراعی همه جا جدیدترین شکل صورتبندی اجتماعی باستانی را تشکیل میدهند. لیکن اگر در جوامع غربی بین عصر تجزیه جماعت زراعی تا پیدایش سرمایه داری قرنها فاصله است، در شرق حتی تا زمان پیدایش سرمایه داری تا حد محدودی حفظ میشود. طبیعتاً سؤالی که مطرح میشود آنست که چرا و بکدام علت و دلیل این شکل تا پیدایش سرمایه داری دوام می یابد و آنچه مانع رکود جوامع آسیائی شده است چیست؟

برای یافتن پاسخ باین سؤال بدو صورت مختلف مسأله را بررسی میکنیم. امر نخست آنست که ویژگیهای جوامع آسیائی و وجوه تباین آن با دیگر شیوه های ما قبل سرمایه داری را بشکل عام و مقدماتی تجزیه و تحلیل نمائیم. شکل عام این بررسی مربوط به شکل پایه ای و خارجی آنست. بدین صورت که عوامل طبیعی و تاریخی تا چه حد مؤثر بوده اند. چنانکه میدانیم یک عامل کم و بیش واحد در دو محیط مختلف / محیطی که ساخته تاثیرات متقابل عوامل داخلی و خارجی است دوائر متفاوت میگذارد. مثلاً اثر جنگ در هندوستان را در نظر بگیریم. تمامی مهاجرات / شورشها و قحطی های متداوم در کشور هند با وجود داشتن شکستی /

یادآور میشود که جامعه عتیق روسی حاصل تجزیه جامعه آسیائی بوده لیکن محصول زندگی تاریخی متحرکتر و مقدرات و تطورات قبایل اصلی دور انساژتر میباشد.

بنابراین می بینیم که تلاش جماعت روستائی در او پای باختری ناشی از اثرات محیط تاریخی این جماعت نیز می باشد، و برعکس آن محیط هر جماعت روستائی روسی که قرنها با برجا ماند فراهم نبوده است.

دیگر آنکه یکی از عوامل مؤثر در روند تکاملی جوامع جنگ میباشد. اهمیت آن بدلیل آنست که تصرف سرزمین يك جامعه پیشرفته تر / يك جامعه زراعی / توسط اقوام عقب مانده تر و كوچك چو پانی در روند رشد جامعه مغلوب یا متصرف اثر میگذارد. انگلس در آنتی دورینگ بدین مسأله اشارت دارد که چگونه فاتحان سرزمین را از جمعیت خالی کرده و نیروهای مولد آنرا ویران و نابود میساختند و چگونه بنا چارپس از خرابیها و نابودیها خود مقهور نظام اجتماعی و اقتصادی ملت مغلوب شده و آنرا می پذیرفتند. از اینرو این اصل بعنوان معیار درجه رشد نیروهای مولد و مرحله تکامل تاریخی جامعه مورد استفاده قرار گرفته و چگونگی صعود و نزول تقسیم کار اجتماعی را نیز تعیین میسازد. از طرف دیگر ابزار کار / حجم آنها / درجه توسعه مبادله / موقعیت تولید کنندگان در يك مناسبات تولیدی و غیره نیز از جمله ابزار است که برای تکمیل شناخت کیفیت نیروهای تولیدی در آسیا مطرح میباشد. در بررسی رشد نیروهای مولد نمیبایستی کیفیت مصنوعات را بعنوان عامل اصلی بحساب آورد. زیرا محصول خود اهمیتی ندارد بلکه چگونگی تولید آن و ابزار مورد استفاده برای تولید آن مطرح میباشد. مثلاً اگر باروت در چین اختراع میشود این نتیجه رشد نیروهای مولد نبوده و بمعنای آن نیست که ابزار کار در این نقاط پیشرفته تر هستند.

باین مورد خاص توجه کنید.

هنگامیکه مارکس در مورد بافتهای شگفت آور هندی صحبت میکند باین نکته نیز توجه دارد که ابزار تولید این بافته ها / چرخ ریسندگی و دستگاه نساجی دسنی هندی بر پیشانی خود داغ ابتدائی بودن را حمل کرده و هزاران سال بدون تغییر و تکامل باقی مانده اند. حتی هنگامیکه در سال ۱۸۱۳ هند کشور صادر کننده مصنوعات نخی بود باز آنرا دلیلی بر اینکه وسایل تولید از چهار چوب شرایط طبیعت زاد خارج شده اند، نمیداند. بهر حال از این مسائل که بگذریم مهمترین کیفیت تقسیم کار اجتماعی در جوامع آسیائی وحدت ناگزیر زراعت و پیشه بوده است. بهیچوجه دیگر پیشرفت در تولید هنوز بدانجا نرسیده است که منجر به جدائی بخش پیشه وری از زراعت گردد. در اینجا زارع و خانواده او در عین حال تولید کننده تمام مایحتاج صنعتی خود مخصوصاً منسوجات نیز میباشد. اگر چه در داخل این واحدهای خود خود کفا بنوعی از تقسیم کار برخوردار میکنند ولی این بمعنای تقسیم کار اجتماعی نیست. مثلاً در يك واحد خود کفا ما شاهد نوعی تقسیم کار بین زارع و پیشه ور هستیم. مثلاً آهنگر و نجار برای اهالی مصنوعات لازم را میسازد و با تعمیر میکند. یا کوزه گر کوزه میسازد یا سلمانی اصلاح کرده و فردی دیگر زینت آلات میسازد. لیکن اینگونه تولیدات گاهی بحساب جمع و گاهی بحساب خانواده است و تولید کننده در آزادی کار خود از محصول سهم برده و یا آنکه ده مخارج زندگیشان را تأمین میسازد. اما این تقسیم کار موجب تولید کالائی نمیکردد. زیرا بازار پیشه ورمحدود به چهار دیواری روستا است و در حائی که ده بزرگتر و

کیفیت طبیعت در میزان بازده کار نیز مؤثر است. شرایط طبیعی آسیا در عین حال که نه آنچنان پربازده که هر گونه فعالیت ابداع گرانه ایرا غیر لازم بسازند و نه آنقدر فقیرانه است که پیدایش هر گونه اضافه تولیدی را مانع گردند، لیکن این شرایط چنان است که بنحوی و تا اندازه مشخص مانع از پیشرفت نیروهای مولد و انتقال اشکال اجتماعی نازل بصورتبندی های عالیتر می گردد. این شرایط عبارتند از وسعت زمین و پراکندگی و دور افتادگی مناطق مسکونی. این دو عامل مرتبط باعث ایجاد جوامعی میشوند که از واحد های بی رابطه / بدون تغییر و دیر پا و بدون اثر خارجی ترکیب می یابند. نمونه این پراکندگی جماعات روستائی هندی است.

چنین جماعتی تقریباً هیچ نوع رابطه ای با یکدیگر نداشته و از نیازها و فعالیت هائیکه اساس پیشرفت اجتماعی را تشکیل میدهند بکلی بی خبرند. بقول مارکس «وسعت خالک و دشواری ارتباط مبادله بین مراکز تولید را مسدود میکند و از این طریق مانع رشد ابزار تولید و تقسیم کار میگردد. این دو عامل وحدت ابتدائی زراعت و پیشه را در داخل جماعت خلل نا پذیر کرده و بخود کفائی دوام می بخشد. از اینجا نتیجه دیگری نیز بدست میآید یعنی انزوی این واحدهای مسکونی که معلول وسعت خالک / پراکندگی و دشواری ارتباطات است بجای خود نتایج سیاسی ناهنجاری را نیز باعث میشود. این نتایج در بعضی نقاط موجب تحکیم و رکود تولید و توقف اجتماع است. در این رابطه مارکس میگوید:

«این جماعت ها هر کجا که پیدا شوند اساس و مشوق ایجاد ظلم و استبداد کم و بیش متمرکز میگرددند. چنین انزوی کامل جماعتهاست که در تمام مملکت منافع یکسان ولی نه مشترک بوجود میآورد و این پایه طبیعت زاد استبداد آسیائی است. از هندی تا روسیه هر جا که این شکل جامعه متداول باشد همیشه آفریننده استبداد بوده و مکمل خود را در آن یافته است. حال آنکه اگر این انزوا و پراکندگی وجود نمیداشت نتایج دیگری بیار میآورد. مثلاً نزدیکی و ارتباط می توانست مشوق مبادله / رشد ابزار تولید / گسترش تقسیم کار / پیدایش شهرنشینی و غیره باشد. بعلاوه نزدیکی و ارتباط شرط طبیعی تولید / یعنی محصول موقعیت جغرافیائی و بزرگ يك منطقه است. از طرف دیگر فتوحات دریائی و پیدایش قانون استعماری نیز در تسریع نیروهای مولده در داخل جوامع استعمار کننده اثرات شگفتی داشته است. انقلاب هائیکه در قرن های ۱۶ و ۱۷ همراه با اکتشافات جغرافیائی در تجارت رخ داد تکامل سرمایه تجاری را تسریع نمودند. و خود یکی از عناصر اصلی تقویت روند انتقالی از شیوه تولید فئودالی به تولید سرمایه داری بوده است.»

بهر حال این عوامل یعنی شرایط مساعد طبیعی می تواند ارتباط را ممکن / مشکل و یا آسان سازد بعلاوه آنکه در رشد نیروهای مولد اثر موافق چون جوامع غرب و مخالف چون جوامع شرق بگذرد.

از طرف دیگر تاثیراتی که جوامع مجاور و مرتبط با يك جامعه معلوم بصورت بالقوه و یا بالفعل دارند می تواند سازنده محیط تاریخی آن جامعه گردد. از اینرو محیط تاریخی از جمله عوامل مؤثر در رکود و یا رشد جوامع است. در همین رابطه مارکس هنگامیکه درباره رابطه بین امکان پیدایش مالکیت ارضی فردی و کیفیت زمین صحبت میکنند توجه خواننده را به انحلال جامعه طبیعت زاد قبیله ای / در اثر حرکات تاریخی / مهاجرت / تصرف / و آشنائی با شرایط جدید کار نیز جلب مینماید و

پسچیدگی و سرعت در تخریب این جامعه تنها در سطح زیرین آن تاثیر میگذارد. در حالیکه جنگ و تهاجم و تصرف در محیطی دیگری تواند تأثیری بسزا در تغییر شیوه تولیدی داشته و یا آنکه حداقل نطفه مناسبات جدید را بریزد. شاهد تاریخی آن تهاجم رومن به امپراطوری روم است که بدنبال خود مالکیت خصوصی را در نزد رومیان گسترش میدهد و موجب روند پیدایش فئودالیسم میگردد. باید توجه داشت که عوامل زیربنائی هر چند عمدگی و اصالت داشته و پایه ای باشند نمیبایستی ما را از نیروی اثر گذاری عوامل رو بنائی غافل سازد.

بقول انگلس: «تکامل سیاسی / حقوقی / فلسفی / ذینی / ادبی / هنری و غیره متکی به تکامل اقتصادی است ولی همه اینها نسبت بیکدیگر و نسبت به پایه اقتصادی واکنش نشان میدهند. اینطور نیست که وضع اقتصادی علت و فعال بی همتا و همه چیز دیگر فقط معلول و مفعول است.»

بر هیچکس این اصل پوشیده نیست که عوامل رکود و صعود و عوامل پایه ای و خارجی در جوامع آسیائی - صرفنظر از شیوه های مختلف تولید بیک عبارت مجموعه رابطه ی نیروی انسانی با طبیعت است. در این میان زمین بعنوان موضوع کار انسانی مطرح بوده و تمام ارزشهای مصرف از بیوند کار و طبیعت حاصل میآیند. کار بیشتر از هر چیز روندی است بین انسان و طبیعت، روندی که طی آن انسان خود را با طبیعت توسط عمل خود مربوط یافته و تنظیم و کنترل میکند. آزمایشگاه طبیعی انسان زمین بوده و طبیعت بعنوان منبع نعمت و ثروت بحساب میآید. طبیعت در ضمن منبع همه ابزار و مواد کاراست. نتیجه آنکه تولید بجز در رابطه با طبیعت قابل تصور نیست.

حال که تولید به طبیعت بستگی دارد، شگفتی نخواهد بود که کیفیات طبیعی در چگونگی تولید اثر گذارند.

این تاثیر به صورت های متفاوت انجام می پذیرد. باید توجه داشت که تاثیر این یا آن عامل طبیعی تا زمانی تعیین کننده است که درجه رشد نیروهای مولد هنوز موجود بی اثری يك عامل طبیعی مشخص نشده و موانعی را که از جانب آن برمی خیزد مرتفع نکرده نباشد. مثل وجود کوههای مرتفع که تا قبل از پیدایش وسائل نقلیه ماشینی و متقابلاً جاده سازی بعنوان يك عامل ممانعت از ارتباط مطرح میبود. یکی دیگر از عوامل طبیعی مؤثر در شیوه تولیدی آنست که آیا عوامل طبیعی می توانند مانع از تجزیه مالکیت ارضی جمعی و پیدایش مالکیت خصوصی شوند یا خیر؟ پاسخ مثبت است زیرا کیفیت زمین در انحلال مالکیت شرقی و پیدایش مالکیت رومی و یا رومنی تاثیر مسلم دارد و بقول مارکس «مالکیت فرد هر اندازه که کمتر فقط به کمک کار دسته جمعی - مثل تنظیم آب در شرق - قابل بهره برداری باشد شرایط اینکه فرد مالک خصوصی زمین بشود و خود و خانواده اش به کشت آن بپردازند فراهم می آید.

رم را در نظر بگیرید در آنجا زمین علیرغم تمام اشکالاتیکه برای تملکش موجود است ممانعتی برای آن ایجاد نمیشود که فرد آنرا به مئنه طبیعت آلی و جود زنده خود و کارگاه وسیله و موضوع کار و اسباب معیشت خویش بنگرد. در حالیکه در آسیا برعکس این قضیه وجود دارد یعنی فقدان مالکیت فردی بیک معنا در رابطه مستقیم با آب و هوا و کیفیات ارضی قرار دارد. با توجه باین امر که آبیاری مصنوعی شرط اول زراعت بوده و به جماعتها ایالات و حکومت های مرکزی اختصاص داشته و بصورت عاملی برای جلوگیری از گسترش مالکیت خصوصی ارضی در می آید.»

جمعیت بیشتر باشد بجای مثلاً یک آهنگر و یا یک نجار چند آهنگر و یا چند نجار پیدا می شود، ولی نوع کار همان است. و دقیقاً به این علت است که این نظام صدها و هزاران سال اساس نظام روستائی در آسیا را تشکیل داده است. از طرف دیگر فقدان مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در جماعت آسیائی نیز یکی از عوامل بدفکر کننده عدم گسترش تولید کالائی است؛ زیرا شخص هنگامی میتواند مصنوعات خود را مبادله کند که خود مالک و مختار آن باشد و بتواند بصورت مستقل و نامقید به دیگری پا به عرصه مبادله بگذارد.

لیکن در آسیا از آنجا که ابزار تولید در مالکیت عمومی و یا دولتی می باشند امکان تصمیم آزادانه نسبت به محصولات کار برای تولید کننده فراهم نشده است. زیرا او مالک وسائل تولید نیست. دیگر اینکه فرد نسبت به سهمی که برای تجدید تولید نیروی کارش لازم است و وسائل حداقل معیشتش را تامین میکند هم اختیار دار نیست. زیرا سهم او تا زمانیکه تمام محصول توسط عاملان جماعت و یا دولت تعیین نشده است نامعلوم و غیر قابل تصرف است. در جوامع آسیائی تولید اضافی در اختیار دولت قرار می گیرد و مبادله تنها به اضافه تولید خلاصه میشود و علاوه مازاد تولید در دست تولید کننده نیست. از اینرو او را در مبادله شرکتی نمیتوان داد. مبادله توسط دولت در ارتباط با جماعت های خارجی صورت می پذیرد. نتیجه آنکه اقتصاد آسیائی اقتصاد بدست طبیعی و محدود در چهار چوب تنگ خود کفائی، وحدت پیشه و زراعت اساس نظام جامعه را میسازد. در چنین جامعه ای از عوامل تحریک / تجزیه و گذار به مراحل عالیتر به خیری نیست. فرد در برابر جامعه استقلال ندارد. و تولید در دایره خود بسنده محدود مینماید. زیرا اگر مبادله یکی از اهرمهای تلاش نظام ابتدائی باشد در آسیا مبادله خیری نیست. جامعه خود کفا نسبت به دنیای خارج بی تفاوت بوده و به آرامی به سقوط امپراطوریها / قتل عام جمعیت ها تعویض دولت و شاهان نظاره کرده و آنانرا بناباه بدیده های طبیعی می پندارد.

آنچه بیان شد در مورد جوامع روستائی جامعه آسیائی بود. پس مسأله شهرها در جوامع آسیائی چه میشود؟ مگر نه اینکه پیدایش شهر در روند جدائی آن از ده خود بمعنای تقسیم کار مادی و معنوی است. پس نظر رهبران سوسیالیسم علمی در مورد شهرهای جوامع آسیائی چیست. از نظر آنها شهر در جامعه آسیائی چیزی مگر یک ده بزرگ نیست و در اصل بین ده و شهر تفاوت ماهوی وجود ندارد. در نظام آسیائی وحدت زراعت و پیشه در شهر نیز انعکاس یافته است. دیگر آنکه چیزی جز یک اردوگاه لشگری با تجهیزات بهتر و حرفه ای تراز یک اردوگاه بیابانی نیست. تمامی اهالی شهر یک بنحوی در ارتباط و وابستگی به دربار و دستگاه دولتی و لشگریان قرار دارند. تاجران و پیشه وران همان کسانی هستند که وظیفه تامین مایحتاج همراهان شاه در اردوگاههای بیابانی را نیز بر عهده دارند.

مشتریان پیشه وران شهر آسیائی به دولتیان محدود میشوند. زیرا اضافه تولید در دست دولتیان تمرکز یافته است. در شهرهای آسیائی گذشته از غیبت نهادهای اقتصاد مائوفاکتوری / سروکار ما با ابتدائیترین ابزار و حتی گاهی تنها دستهای انسانست. پس تولید کالائی و مبادله در آسیا هر اندازه هم گسترش یافته باشد باز نوع تولید کالائی و مبادله اولیه است. زیرا دامنه آن بداخل جماعت کشیده نشده و از ابزار و نقش در تجزیه جماعت شرقی ایفا نمی نماید. علاوه ترکیب داخلی شیوه

تولید آسیائی و استحکام ساخت های آن طور است که در مقابل اثر تجزیه کننده ای که تجارت دارد / مقاومت و سرسختی نشان میدهد زیرا اساس آن بر وحدت زراعت و پیشه بوده و جماعت روستائی را متکی به مالکیت عمومی ارضی نگه میدارد. از طرف دیگر در چنین جوامعی حتی تجارت و سرمایه تجاری به اشکال گوناگون تابع مالکیت ارضی متمرکز در دست دولت و وابستگان به آن میباشد. اما چگونه میدانیم که منشاء پیدایش سرمایه / مالکیت ارضی نیست بلکه این سرمایه پولی متمرکز در تجارت و صرفی و با خواری است که در صورت استقلال از مالکیت ارضی میتواند به تشکیل سرمایه بمعنای اصلی آن منجر گردد؟ این واقیعات بعد کافی بیانگر مسأله اقتصاد پولی و پیدایش تکامل مناسبات پولی در جامعه آسیائی نیز میباشد. جانی که اقتصاد بر اساس خود کفائی و وحدت بخش های تولیدی قرار گیرد کمتر می تواند مجالی برای تکوین و انکشاف پول بوجود آید. علاوه از آنجا که مبادله در شیوه تولیدی آسیائی محدود به مبادله درون جماعت هاست پس پول فقط در رابطه با مناسبات اقتصادی درون این جماعت های خود بسنده می تواند کار کردی داشته باشد و بوجود آید. بارزترین شکل پیدایش پول در جوامع آسیائی بصورت گنج بوده است. زیرا هنگامیکه شیوه تولید سنتی و خود کفائی منطبق با یک مدار بسته از نیازمندیها باشد بخش مهمی از پول که در نتیجه فروش محصول بدست آید بصرف خرید نرسیده و بصورت گنج در میآید.

و اما جگونگی شکل مالکیت ارضی در آسیا؟

مالکیت جمعی بشکل ساده و ابتدائی آن مالکیت مستقیم جماعت های آسیائی است. فرض اول وجود چنین مالکیتی / یک جامعه طبیعت زاد و خود روی میباشد. و در اینجا افراد بعنوان عضو جماعت و بخاطر وجود جماعت مالک اند. اما این مالکیت با مالکیت زمین ها تفاوت دارد هر چند که در بعضی جهات نیز مشابه باشند باز یکسان ارزیابی نمیگردند.

تقسیم بندی اجتماعی نظام زمین ها مبتنی بر پیوند خونی است / جماعت و یا قوم به ترتیب به قبایل / طوایف و دودمانها تقسیم میشوند. اسکان قبایل تقسیم بندی جدیدی را که بر حسب ولایات / دهات صورت گرفته است بهمراه میآورد. در دهات خانواده های متعلق بیک دودمان سکنی دارند هر ده مالک زمین هائی است که مسکن و مزرعه و جنگل و مرتع اهالی را دربر میگیرد، و چنانکه اشاره کردیم مجموعه این زمینها مارك خوانده میشود. بعدها کشت اشتراکی جای خود را به کشت فردی و خانوادگی داد بدون آنکه مالکیت عمومی از بین رفته باشد. مزرعه هر سال بین خانواده روستا تقسیم دوباره میشود.

مالکیت فردی فقط در رابطه با خانه و حیاط متعلق به آن بوجود آمده است. و این شکل تا زمانیکه اقوام زمینی به رم حمله کرده و آنرا تصرف نمودند و مالکیت خصوصی فردی را تسریع کردند، ادامه یافت.

در آسیا مالکیت جماعت زراعی دارای خصیلت غیر دموکراتیک و پدرسالاری است. آنان در رابطه با دولت موظف به پرداخت مالیات می باشند. در این شکل که پیشرفته ترین نوع تظاهر مالکیت عمومی است برای جماعت های زراعی چیزی جز تصرف باقی نمانده است. واحد مافوق نیز در یک فرد / یعنی رئیس مافوق واحد ها که شاه باشد تجسم می یابد. نتیجه این روند، مالکیت دولت بر زمین است که بتامی تغییر خود نوعی از مالکیت

جمعی است. در این شکل مالکیت واقعی و حق تصرف متعلق به جماعات روستائی است و نه فرد. پیدایش مالکیت عمومی دولتی منوط بر امکان اقتصادی استثمار است. نیروهای مولد تا آنجا پیشرفته اند که تولید مازاد ممکن سازند، لیکن این مازاد را دولت از طریق توسل بزور و استقرار مناسبات حاکمی و بندگی بین خود تولید کننده ضبط میکند. منشاء مالکیت عمومی دولتی وابستگی شرایط تسلط واقعی زمین / شرایط تولید به کار و تمهیدات جمعی و عمومی است. مدیران کارهای عمومی / پس از فراهم آوردن امکانات مالی استثمار با حفظ سمت مدیریت از طریق ضبط و تسلط اجباری اضافه تولید / خود را بمقام مظهر و مالک مافوق ابتداء یک جماعت و سپس گروهی از جماعات ارتقاء داده و آنگاه به دولت آنها تبدیل می گردد. فقدان مالکیت خصوصی در شکل شرقی مالکیت بدون معناست که در این شکل جماعت بعنوان شرط تولیدی تسلط واقعی زمین و تخصیص نمرات آن همواره صاحب برتری و اصالت باقی مینماند. در اینجا فرد در مقابل جامعه قادر به کسب استقلال نشده و از نافع آن جدا نمی گردد و همیشه بصورت حیوانی در یک گله مطرح است. این خود یکی از عوامل رکود و سکون جامعه شرقی است. در صورتیکه اگر فرد بقول مارکس «مناسبات خود را با جماعت تغییر دهد جماعت را تغییر خواهد داد» ولی در اینجا برعکس از مالکیت ارضی برای فرد خیری نیست و جماعت را مالک زمین میشمارند.

در جامعه آسیائی تولید نه بدست طبقه مالکان، بصورت طبقه مالکان در شیوه های تولیدی برده داری و فئودالی، بلکه در دست دولتیان قرار میگیرد. و دقیقاً باین دلیل است که طبقه مالکان هم چون شیوه های کلاسیک برده داری و فئودالی بوجود نمی آید. در اینجا / طبقه حاکم / متشکل از عناصر و اعضای دولتی است که تنها از اضافه تولید متمتع میگردد. عبارت روشن تر رعیت آسیائی مقید به دولت است و نه ارباب فئودال. جگونگی دولت در جامعه آسیائی هسته مرکزی در بحث و تفاوت ماهیت آن در شیوه های مختلف تولیدی / درجه استبداد و مطلقیت قدرت دولت در رابطه با افراد و جامعه میباشد.

میتوان گفت شکل حکومت و دولت یک جامعه همیشه بطور طبیعی با مرحله رشد نیروهای تولیدی آن جامعه مطابقت دارد. بقول انگلس: «توضیح اشکال مختلف سیاسی هر دوره فقط بتوسط ارجاع به تولیدات و نیروهای مولد آن دوره است. کسیکه چنین روشی را اتخاذ کند متوجه آن خواهد شد که استبداد شرقی بر مالکیت عمومی / جمهوریهایی باستانی بر شهرهای مشغول به زراعت و امپراطوری رم به زمینداری بزرگ فئودالیسم در سلطه ده بر شهر که هر یک دلائل مادی خود را دارند اتکاء داشته اند.»

در هر حال یکی از علل پیدایش و ثبات استبداد شرقی را باید در مالکیت ویژه این جوامع بررسی کرد. مارکس خود مالکیت قبیله ای / مالکیت جمعی و فقدان مالکیت خصوصی را شالوده و فرازگاه استبداد شرقی می خواند. وی نویسد: «در جماعت های روستائی رمی و هندی که فاقد مالکیت خصوصی هستند قدرت دولت ضرورتاً بشکل استبداد متظاهر میشود.» حال چنانکه اشاره کردیم عدم پیدایش مالکیت فردی بمعنای عدم گسترش و تکامل فرد نیز می بود. آنجا که فرد بصورت انعکاس یافته در مالکیت فردی بوجود نمی آید از جامعه ابتدائی جدا نشده و مستقل نیز نمی گردد. زیرا که جماعت فرد را در بطن خود نگه داشته و باو مجال ایجاد رابطه آزاد با محیط را نمی

قیام رهبرمدبر و خردمندی مثل آیت الله خمینی جرقه ای بود که بر خرمن عقده های دل های در حال انتضار زد. این قیام تحت عنوان انقلاب اسلامی در زیر پرچم جمهوری اسلامی انجام گرفت و چنان دامنه پیدا کرد که تمام طبقات مردم را در هر عقیده و مسلکی که بودند فرا گرفت و حتی در کوچکترین دهکده های ایران نفوذ کرد. میلیونها مردم با دستور رهبر خود پیا خاستند و بطور معجزه آسانی دستگاه خونین استبداد را با آتش خونخوارش که مدت نیم قرن تمرین آدمکشی دیده بود در هم گویند. باید اذعان کرد که اگر عنوان اتحاد اسلامی نبود هیچیک از نیروهای سیاسی و مترقی ایران قادر نبود که مردم را با این قدرت و فداکاری بمیدان های تظاهرات و استقبال از مرگ بکشاند.

بهین مناسب امروز ضد انقلاب تمام سعی و کوشش خود را بکار میریزد که شاید بتواند از راه تحریک عقاید سیاسی و رواج افراط و تفریط های مذهبی عامل اصلی موفقیت انقلاب را که اتحاد همگانی مردم ایران است فلج نماید. در این راه ضد انقلاب فرصت می خواهد تا نیروهای پراکنده خود را جمع آوری و تقویت کند و از مقالات و نوشته هایی که در روزنامه های خارجی با قدرت پول منتشر میکند استمداد میجوید و بنا بر این مختلف بدادگاه های انقلابی اسلامی که موجب وحشت و جمع آوری عناصر ضد انقلاب شده است حمله ور شده است. بی دلیل نیست که رهبر با تدبیر انقلاب آیت الله خمینی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب دادگاههای انقلابی تشکیل داد که با سرعت هر چه بیشتر به پرونده جانین و دزدانی که محکومیت آنها در پیشگاه افکار عمومی ملت ایران مسلم است رسیدگی کرده و هر کدام از آنها را که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم موجب مرگ و یا شکنجه های منتهی بمرگ زندانیان و مجاهدین خلق ایران شده اند مجازات نمایند. اگر قرار بود که رسیدگی به پرونده این جانین را از تشکیل پرونده های دراز مدت انجام باید خطر جان گرفتن ضد انقلاب بسیار بود. یقین است این دادگاهها طبق دستورات شرع اسلام که هر چه بیشتر ارفاق را جایز میدانند، عمل کرده و نسبت به کسانی که با رژیم سابق همکاریهای ساده ای داشته اند چشم پوشی و ارفاق خواهند کرد.

بعقیده من اگر ریشه های فساد از جامعه ای که بمدت نیم قرن در آن تخم جنایت و فساد پراکنده و پیاپی فرهنگ ملی و اخلاق و معنویات را بکلی سست کرده اند کشته نشود درباره ضد انقلاب مثل علفهای هرزه رشد کرده و خرمن شکوفه های نوزاد انقلاب ایران عزیز ما را که با خون صدها هزار مسلمان و آزادیخواه آبیاری شده است خشک خواهد کرد. در خاتمه آرزو دارم که ما ایرانیان در هر مراسم و مسلک سیاسی و از هر طبقه اجتماعی که هستیم با هم متحد شده و انقلاب بی مانند مردم ایران را بشمار برسانیم. زیرا که بشمار رسانیدن نتایج انقلاب از پیروزی انقلاب بمراتب مشکل تراست.

دوره های آموزش زبان انگلیسی مخصوص  
دانشجویان خارجی کلاسهای ۲ ساعته در هفته  
با معلمین بسیار تحصیل کرده و مجرب  
این کلاسها مشخصاً برای دانشجویانی که در نظر دارند خود را  
برای ورود به کالج و دانشگاه آماده کنند، مناسب است.  
برای ثبت نام با آدرس زیر مکاتبه کنید:

The Trent School of English  
103 Trent Boulevard, West Bridgford,  
NOTTINGHAM, England.

بمعنای برده داری بودن آن جوامع است؟ بنابراین شباهت و فرم بنا را با مناسبات تولیدی یکی ندانسته و ایران را فاقد گذار از این مرحله میدانیم. برعکس در این دوران دهقان آزاد تحت نفوذ دولت و بسود خود زمین را کشت میکرد و بدولت مالیات میداد. و دولت بمشعنوان طبقه عامل اصلی استثمار مطرح بوده است.

۴ - عملیات عمومی و کارهای همگانی توسط دولت انجام میشده است، که با توجه به این اصل و وجود واحدهای خود کفا حاکمیت سیاسی خود را بصورت استبداد مطلق اعمال مینموده.

بهر حال نظام «تولید آسیائی» و دولت آسیائی هر جایی را در مباحثات جامعه شناسی علمی اشغال کند و بهر کجا که برسد عمده مسأله آنست که جامعه انسانی بر خلاف تصور بعضی ها پدیده ایست زنده و در حال حرکت و بهیچ وجه ثبات و سکون بر آن حاکم نمی تواند باشد. پدیده های درون جامعه انسانی از قبیل شیوه های تولید و روابط تولید و سازمانهای سیاسی آن نه ازلی بوده اند و نه جاودان خواهند ماند. بدون شك سازمان قدرت نیز (خواه مذهبی یا غیرمذهبی) که ابزاری طبقاتی است، سرزنشونی نظیر همه پدیده های اجتماعی خواهد داشت. جوامعی وجود داشته اند که بدون آن گذران نمیکرده اند. مانند جوامع اشتراکی اولیه. این ابزار در پله معینی از تکامل اقتصادی که تا گزیر به تقسیم طبقات بستگی داشت باقتضای این تقسیم ضروری گشت. اینك جوامع طبقاتی با گامهای سریع، به آنچه پله ای از تکامل در تولید نزدیک میشوند که در آن دیگر وجود این طبقات نه تنها ضروری نبوده بلکه باینده مستقیمی برای تولید شده اند. از میان رفتن طبقات همان اندازه تا گزیر است که پیدایش آن در گذشته تا گزیر بود. با از میان رفتن طبقات سازمان قدرت نیز تا گزیر رخت بر میندند و جامعه ای بر پایه تجمع آزاد و برابری تولید کنندگان بوجود خواهد آمد که سازمان نوینی برای تولید داشته و تمامی ماشین قدرت را در کنار دولت و تیر مفرغی در موزه آثار عقیده قرار خواهد داد.

سر آن هنوز واحد بزرگ و حاکمی بوجود نیامده، نیز میتوان مشاهده کرد. قدرتی که در این تظاهر ابتدائی و در این نقطه اولیه دولت متمرکز شده است طبیعتاً نه استبدادی بلکه پدرسالاری باید نامید.

استبداد دولت شرقی همواره بصورت استبداد یک فرد تظاهر خارجی یافته است. بقول مارکس «در استبداد شرقی دولت سیاسی چیزی جز خود کامی خصوصی يك شخص مفرد نیست.» دولت آسیائی بقول انگلس دارای سه عملکرد است: «۱ - مالیه یا غارت داخلی ۲ - جنگ یا غارت داخل و خارج ۳ - تهید و سائل تجدید تولید.» هر يك از اینها بنوبه خود عمل عمده رکود جامعه آسیائی میباشد.

با توجه به مطالبی که ذکر شد نتایج زیر حاصل میگردد. بر خلاف تصور تنگ نظران و فراریان از این بحث شیوه تولید برده داری و فئودالی در ایران بشکل غالب وجود نداشته و بعنوان مناسبات تولیدی که سازنده روند اقتصادی جوامع کلاسیک بوده است نمی توانست باشد. وجود ضوابط و نشانه هایی نیز از این شیوه تولیدی یا آن، دلیل بر وجود مناسبات برده داری و فئودالی نیست. وجه تمایز بارز و روشن جوامع آسیائی که ایران نیز یکی از آنهاست با جوامعی که فئودالیسم در آنها رشد کلاسیک داشته و به سرمایه داری رسیده اند در نکات تشریح شده زیر است.

۱ - تا قبل از پیدایش ضوابطی از مناسبات سرمایه داری یعنی بیشتر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال پیش مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته و زمین متعلق بدولت بوده است.

۲ - جوامع روستائی بسته ای وجود داشته اند و اکنون نیز نشانه هایی از آنها وجود دارد که در چهار چوب يك اقتصاد طبیعی پیشه و کشاورزی را در خود جمع کرده و همزمان انجام میداده اند.

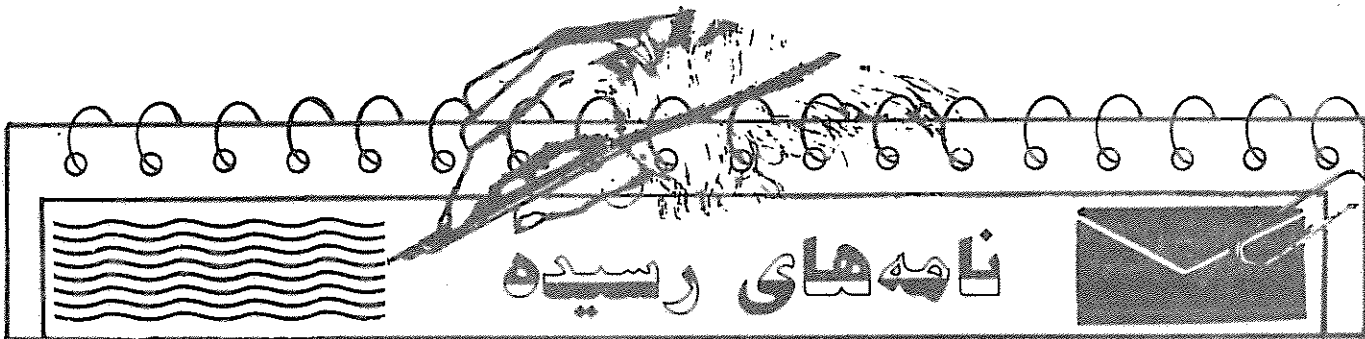
۳ - کاربرد گنی در تولید نقش عمده ای را نداشته است. حتی اگر بناهای ساخت بردگان درم را با بناهایی مشابه در ایران مقایسه نمایم، صرف وجود بنا و برده چنانکه شرح دادیم دلیلی بر مناسبات برده داری نیست. زیرا بناهای عظیم مشابهی نیز در دوران حاکمیت فئودالیسم ساخته شده اند. آیا این

دهد. نتیجه آنکه دولت در این جوامع نیز با افراد سروکار ندارد / فرد را نمی شناسد / و متکی به حمایت ابتدائی تجزیه شده است. باید توجه داشت که این دلیل بر آن نیست که هر جا مالکیت فردی موجود نباشد استبداد وجود دارد زیرا این حکم مربوط به صورتبندیهای اجتماعی اولیه میشود، یعنی نوعی که در روسیه و هند دیده شده است.

در مجموع جماعت های ابتدائی هر جا که پایدار مانده اند، بقول مارکس: «از هزاران سال پیش تا کنون اساس خام ترین نوع دولت / یعنی استبداد شرقی از روسیه تا هند را ساخته اند.» هنگامیکه تمام جماعت و تنها شکل مالکیت علت استبداد شرقی تشریح شده میشود و تا یکد میگردد که برای این استبداد و پایداری آن اساس محکم تری از جماعت روستائی خود کفا سراخ نمیتوان گرفت مقصود نفی مشخصات و عناصر سازنده دیگر که بهر حال تائیری در ساخت اینگونه استبداد دارند، نمیشد. بطور مثال میتوان از انزوای این جماعات نام برد / انزوایی که مانع وحدت آنها علیه دولت میشود و یا از زندگی سیاسی بدویشان میدارد و بقول مارکس: «اینگونه جماعت ها نسبت با مور سیاسی بی تفاوت اند و در چهار چوب دنیا تنگ خود زیسته و با بی علاقگی فراز و سقوط دولتها / ویرانی شهرها و کشتارهای جمعی اهالی را نظاره میکنند و در مقابل هر مستبدی سر تسلیم فرود میآورند.»

از دیگر عوامل استبداد شرقی تمرکز کارهای عام المنفعه در دست دولت است. در اینجا تولید جز از طریق فراهم آوردن دسته جمعی و سایل مقلداتی آن ممکن نیست. از اینرو جائیکه تولید منوط به دخالت دولت باشد / این امر دخالت دولت را در کلیه امور زندگی نیز بوجود میآورد. در هند تنظیم و ترتیب آبیاری دخالت يك قدرت دولت متمرکز را لازم میساخت. از طرف دیگر تمرکز وظائف عمومی (آبیاری / ارتباطات و غیره) در دست دولت وسیله ای است که با استفاده از آن دولت استبداد و مطلقیت خود را اعمال میکند و بعنوان ناظری مافوق در همه امور زندگی مردم دخالت میورزد.

مظاهر این رابطه را حتی آنزمان که خود جماعت تنها واحد سیاسی اصلی است و در بالای



# نامه‌های رسیده

## پاسخ به نامه‌ها

\* \*

\* دوستان عزیز مهندس خرماشاهی و م. ی. از آلمان غربی با تشکر از نامه‌های شما و اطلاعاتی که در اختیار ما گذاشتید، باید به خاطر آنرا بر شما سپاسگزاریم که همانطور که شما خودتان نیز اشاره کردید ما کسانی را که برای ما مطلب یا مقاله‌ای می‌فرستند نمی‌شناسیم و آنچه که ملاک و معیار کار ما قرار می‌گیرد تنها محتوای مطالب است. در مورد خاصی اشاره شما نیز مطلب مزبور از یکی از شماره‌های قدیمی مجله «خوشه» نقل شده بود.

\* دوستان عزیز ماندانا هندسی، اردوان، جواد مقدس، عبدالله (آلمان غربی)، مهران شرمینسی، نامه‌های شما بدست ما رسید متشکریم.

\* دوست عزیز الف. شریف، با تشکر از نامه شما و راهنمایی‌هایتان،

و برگشته شما که «باید در چاپ مطالب به مفید بودن آنها توجه داشت و از چاپ آنها که نیاز مشخصی ندارند و تنها چند پرو پا گاند اند پرهیز کرد» تاکید می‌کنیم.

## حضرت آیت الله مواظب تملق گران باشید!

چاپ‌پلوسی و دروغ برداری می‌دانستند. دیدیم صاحبان این دو روزنامه هر چه می‌خواستند بدست می‌آوردند.

روزی در جلسه‌ای در شورای عالی فرهنگ هادی هدایتی وزیر آموزش و پرورش هویدا پیشنهاد کرد کتاب انقلاب سفید در هر کلاس دبیرستان تدریس شود. یکی از اعضاء مخالفت کرد و گفت فقط در کلاس سوم دبیرستان تدریس شود. جناب وزیر کتاب را بالای سر خود گرفت و گفت «این علم جدیدی است که بر معارف بشری افزوده شده است من این کتاب را همیشه در اتومبیل خود دارم و پیوسته آن را می‌خوانم. صبح که می‌خوانم یک چیز درک می‌کنم و عصر چیز دیگری. چون آن عضویه مخالفت خود ادامه داد، بزودی شورای عالی فرهنگ منحل

تملق و چاپ‌پلوسی وقتی جزء خوی مردمان می‌شود که اراده خود سر و خود خواه و متغیر یک فرد بر آنها حکومت کند و از حکومت قانون خبری نباشد و اشخاص بر جان و مال خود ایمن نباشند و تنها راه کسب ایمنی را جلب نظر صاحب قدرت بدانند. چون در سراسر تاریخ خود - جز دورانهای کوتاهی - ما دچار چنین ناپیوستگی بوده ایم، تملق و چاپ‌پلوسی جزء خوی ما شده است. اگر حکومت قانون برقرار شود و مدتی ادامه یابد این خوی بردگان و غلامان نیز ممکن است جای خود را به خلق و خوی انسان آزاد، سربلند و تریس بدهد.

در زمان شاه سابق تملق به اوج کمال خود رسید. رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها - بخصوص دو روزنامه‌ای که هنوز منتشر می‌شود - وظیفه اصلی خود را تملق و

## بفروش می‌رسد

بدلیل تحویل ماشین حروف چینی کامپیوتری جدید، دو دستگاه کامل حروف چینی فارسی - عربی این شرکت که هفته نامه ایران‌شهر تا شماره ۱۹ بوسیله آنها تهیه می‌شد، بدون عیب و نقص بفروش می‌رسد. این دستگاه‌ها، از نوع مونو فتو ساخت کارخانجات مونو تایپ انگلیس، مدل MK3 با ظرفیت اندازه حروف ۸ تا ۲۴ و عبارتست از:

- دو عدد «کی بُرد»
- دو عدد «فیلم سیر»
- دو عدد ماتریس حروف (سیاه و نازک)
- دو عدد کمپرسور
- یک دستگاه ظهور فیلم چهار مرحله‌ای آگما گورت
- یک خشک کن فیلم
- یک میز نور افکن تصحیح و مونتاژ فیلم
- و مقداری وسایل فیلم و نوار پانچ و غیره

لطفاً برای اطلاعات بیشتر با دفتر انتشارات تیراژ نشانی زیر تماس بگیرید:

P. O. Box 39, London SW19 1LE, England.  
Tel : (01) 534 3466-67 Telex : 927629

## قابل توجه

### نویسندگان، محققان و مترجمان

انتشارات تیراژ آمادگی خود را برای انتشار آثار برجسته زبان فارسی در سطح ایران و خارج کشور اعلام می‌دارد.

از نویسندگان محترم خواهشمند است با توضیح درباره اثر خود یا ارائه نسخه‌ای از آن، با دفتر انتشارات تیراژ در لندن تماس بگیرید.

از «فیما» بخواهید

«تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیستهای چپ‌نما»

از سازمان مجاهدین خلق ایران

قیمت: دو پوند با اضافه هزینه پست

Nima

P. O. Box 39 London SW 19 1LE.

میرک بخش آثار فرهنگی ایران



# رژیم فاسد گذشته را نباید نمونه و نماینده تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران دانست

شد و کتاب جزء برنامه دبیرستان شد. می دانیم هادی هدایتی کسی بود که مصلحتان را هر روز به خط میکرد زنده باد بگویند و مجسمه های شاه را گلباران کنند. لاجرم در همه مدت حکومت هویدا، این مرد بزرگ وزیر بود!

هوشنگ نهادندی، از اعجوبه های دیگر دوران منصور و هویدا، روزی در بانک ملی ایران درباره پیشرفت های اقتصادی ایران سخن میگفت. پس از سخنرانی او یکی از شاگردان بی تجربه دانشگاه تهران پرسید «پیشرفت صنعتی ما کی به ژاپن خواهد رسید؟» جناب وزیر بر آشفست و گهت (معلوم می شود شما بکلی از جهان و مملکت خودتان بی خبرید و نمی دانید تحت رهبری شاهنشاه آریامهر ما مدتهاست از لحاظ صنعتی از ژاپن پیش افتاده ایم». هوشنگ نهادندی، را چنانکه میدانیم دستگه برای نخست وزیر آئینده تربیت می کرد! دکتر اقبال در جلسه ای که همه وزرا حضور داشتند روزی به شاه سابق گهت «چاکر به صورت طبیب صحبت می کنم. اگر کسی باشد که معتقد نباشد در تاریخ چهار هزار ساله ایران شاهنشاه آریامهر خردمند ترین، عالیترین و لایق ترین شاه ایران است مسلماً چنین شخصی حرامزاده است!»

حضرت آیت الله خمینی - حال ما چنانکه خود شما بهتر از هر کس میدانید چنین بود. ولی من با کمال تواضع و خضوع تذکر میدهم که اکنون هم وضع زیاد عوض نشده است و مملکتگران به همان شیوه مشغول فعالیتند. از آن رهبر بزرگ می پرسم:

۱ - لفظ امام نزد شیعه اثنی عشری (سر خلاف اهل سنت) منحصر به دوازده تن اولاد پیغمبر است که دوازدهم آنها غائب است و مسلمانان شیعی انتظار ظهور ایشان را میکشند. چرا اجازه میدهید اطرافیان شما، شما را امام خطاب کنند؟ آیا این برخلاف اصول عقاید شیعه نیست که شما را در ردیف علی و حسن و حسین علیهم السلام بگذارند؟ رادیو و تلویزیون دولتی از این امر مستثنی نیست.

۲ - در اسلام - عموماً ساختن تصویر و عکس حرام است و بنظر اغلب فقها در شیعه تصویر حیوانات زنده مکروه است زیرا اسلام دین بت شکنی است و عکس و تصویر می تواند بت شود. چرا اجازه می دهید هزاران عکس و تصویر از شما بسازند و بفروشند و در

نشریه محترم ایرانشهر. با ابلاغ احترامات، ضمن نوشته های گوناگون ایرانشهر (شماره اول دوره جدید) در بخش نامه ها متوجه توضیح کوتاهی شدم به خانم (بری ناز) درباره تاریخ ۲۵۰۰ ساله اخیر ایران. نوع پاسخ بگونه ای بوده است که خود را ناچار به این توضیح یافتیم و امیدوارم چنانچه شایسته یافتند مقربه درج فرمایند.

اولاً اینسکه اشاره شد «۲۵۰۰ سال سلطنت های استعماری و استعماری را چه خلقهای ایران و چه خلقهای تحت سلطه ایران شروع نمی کند» با رعایت احترام، گمان میبرم آنطور که باید و شاید رعایت انصاف نشده است. چرا که اگر تاریخ دقیقتر ملاحظه شود توجه خواهد شد که حداقل تاریخ هزار ساله (از حمله عربها تا تشکیل امپراطوری صفوی) تاریخی است ملی و مردمی. تاریخی که در آن شاهان مقتدروا ظالم کمتر صحبت بیان آمده و بیشتر سخن از ظاهرها، بقو بهای، ابر مسلم ها، مازبهارها، برمکیها، فردوسیها، خیامها، جنابها (گاه ای)، ابوسعیدها، و گروههای بزرگی از دانشمندان، ادیبان، هنرمندان، سیاستمداران، مدیران، سرداران و رزم آوران میهن پرست ایران زمین رفته است. سخن از فرزندان آزاده ایرانی رفته است که با ظلمها و تجاوزهای غیر انسانی سازمان امنیتی بنی عباس را آفریده و با تهاجم زنده از کشته ناسوزنیستها و شیعیان ایرانی پشته بستند، مدارا کرده و در مجموع زیر بنای انقلابی ایران را ریختند که در طول قرنها - گاه آشکارا و گاه در پنهانگاه مصلحت - ولی بهر حال ادامه یافته و در راه دست یافتن به ایرانی اساساً ایرانی دوام یافته و میباید. و گویا

راهروها بکار برند و بخصوص در روزنامه های دوران طاغوت هر روز عکس از شما چاپ کنند! آیا این امر با موازین اسلام متطبق است؟

۳ - به روزنامه کیهان و اطلاعات نظری بنیاد زید، ملاحظه خواهید فرمود در این روزنامه ها شما جانشین شاهنشاه آریامهر شده اید. اگر هیتلر و موسولینی و محمد رضا پهلوی می خواستند دائماً عکس آنها چاپ شود و از آنها صحبت شود به این علت بود که عقاید و سخنان آنها مدار زندگی مملکت بود. شما سخنگوی اسلامید. باید از اسلام

هتوز هم راه درازی برای رسیدن به سر منزل نهائی در پیش دارد. انقلابی که مفهوم واقعی انقلاب رخنه دست زدن به دگرگونیهای کلی، اساسی و بنیانی است را ترجیح داده است. انقلابی که هدف فریبنده پیروزی (درون تهی) سریع السیر را نادریده گرفته و هدفی دیررس ولی اساسی و بنیانی را پیش روی قرار داد. بخش مهمی از تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران مربوط به این جنبش بزرگ خلقهای ایران می شود. کجای این قسمت از تاریخ ایران شاهنشاهی (استعمارگر و استعمار گری) است؟ آیا مقدمه سلطنتهای نیمه مستقل طاهریان، صفاریان و دیلمیان را همین جنبشهای خلقهای ایران فراهم ساخته بود؟

گویا لازم به اشاره است که مسئله در اصل بستگی باین دارد که تاریخ چگونه و از چه دید یا زاویه ای مطالعه شود. اگر چه باید تأکید کرد که بیشتر نوشته های (اصطلاح) تاریخ در دسترس ما چیزی جز وقایع نگاری اعمال شاهان نیست. وقایع نگاری که بنا بر (فرمایش) تهیه شده اند.

ولی مسئله اینست که چه منبع تاریخی را میخوانیم و کدام نوشته ها را از کدام مورخینی پیش روی قرار میدهیم و زاویه دید چه و انتظاراتها کدامند.

در جای دیگر اشاره شد که «همواره از انوشیروان عادل یاد شده در حالیکه انوشیروان یکی از ظالم ترین شاهان این دوره ۲۵۰۰ ساله بود که هزاران هزارمزدکی آزادبخواه را گردن زده.» باز هم با رعایت احترام لازم به اشاره میدانم:

۱ - جای تأسف دارد که درباره تاریخ قبیله از اسلام ایران با آنچه ابهامش اینچنین با صراحت و اطمینان سخن بیان میآید. با در نظر

بحث شود نه از سخنگویان اسلام. می بینم اطرافیان شما مثل آقای خلخاللی رهبر عالیقدری مثل آیت الله طالقانی را منمهم می کند که آلت دست ضد انقلاب شده است و مرد بزرگی مثل آیت الله شریعتمداری را منمهم به تفرقه اندازی می کند. صرفاً به علت اینکه عقیده خودشان را آزادانه ابراز کرده اند. آیا آزادی و عدالت اسلامی این است؟ از طرف دیگر می بینم اسلامی که آقای خلخاللی معرفی می کند اسلام قهر و غضب و انتقام است. پس الرحمن و الرحیم

گرفتن وجدان تحقیقی؛ شما، بنده و یا هر کس دیگری در سراسر گیتی از تاریخ واقعی قبل از اسلام ایران چه میدانیم؟ گمان میبرم این حقیقت که آثار نوشته ایرانی قبل از اسلام طی وقایع گوناگون بطور کلی نابود شده و از میان رفته است، دیگر بر همه کس معلوم باشد. انصافاً چه کسی را میتوان نشان داد که از تاریخ قبیل از اسلام ایران بتواند آگاهی دقیقی بدهد بی آنکه به نوشته های یونانیان، یهودیان، رومیان و عربها تکیه کند؟

چه خوش گفت مورخ صاحب نام پرفسور ایلیف که «نه هردوت از میان خود ایرانیان برخواست و باقی ماند و نه گزنفون. حمایت تماماً در اختیار یونانیان است و پس. اطلاعات ما با همه اندکی که دارد از یونانیان و یهودیان سر چشمه میگیرد، یعنی از دشمنان ملی ایران و این نقص موفری است.» البته ایلیف این بیان را که در برخورد با ابهام مربوط به تاریخ دوره هخامنشیان ارائه میدارد و اگر قرار باشد دوره مورد اشاره را به اشکانیان و ساسانیان تمهیم دهیم، که جز این نمیتواند باشد، نه تنها همان نتیجه حاصل و همان اصل صادق میشود - بلکه نام رومیها و عربها نیز در ردیف دو نام مورد اشاره ایلیف قرار می گیرد.

درباره عدل انوشیروان داستان (واقعی یا ساختگی) فراوان است، اما من بعنوان کسیکه شاید تا حدودی با اصل تحقیق و اصل داشتن حسن مسئولیت در گفته و نوشته آشنائی دارد، نمیتوانم بدون تحقیق این داستانها را دلیل قرار دهم. ولی بی مناسبت هم نمیدانم که اشاره کنم، اگر حدیث «انی و ولدت فی زمن ملک العادل» یعنی همانا من در زمان پادشاه عادل متولد

که مهمترین صفت خداوند اسلام است چه شد؟ با کمال احترام یادآوری می کنم که اصل اول اسلام توحید است و توحید یعنی بت شکنی و پرستش خدای بیگانه و لاغیر. آیا کافران به اصل توحید برای حفظ منافع خود نمی کوشند از شما بت بسازند؟ من شما را به رهبری پذیرفته ام و در دل و جان من جای دارید ولی اسلام و حقیقت و آزادی و عدالت و ایران را بیش از شما دوست دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. کورش پارسی

شدم» به پیامبر گرامی اسلام نسبت داده شده واصل و منشائی راستین ندارد و در واقع حدیثی است که ناسیونالیستهای ایرانی ساخته و پرداخته و به پیامبر اسلام نسبت داده اند، حداقل این را نمیتوان انکار کرد که جغرافیا نویس (قرن چهارم) عرب، طاهر بن مطهر مقدسی معروف به الیشاری در صفحه ۱۸ کتاب (احسن التقاسیم فی مفرقة الاقالیم) از قول عمر بن خطاب، که حداقل یار و هم‌نشین پیامبر بزرگوار بود، صراحتاً مینویسد «انی تعلمت العدل من کسری - یعنی همانا من عدل را از کسری (نوشیروان) آموختم». ویا آنکه اگر به مدارک زنده و موجودی چون نوشته ها و اشعار ادیبان و شعرائ عرب از جمله بختری امیه ابن ابی سلطه و دیگر معاصران مراجعه شود، حماسه هائی پیرامون نقش سپاه نوشیروان بسرداری و هرز در کوتاه کردن دست حبشیان از سرزمینها ملاحظه خواهد شد که بجای خود درخور توجه است بویژه آنجا که از ایرانیان بعنوان «ابناء احرار - آزادزادگان» سخن می رود. گمان نمیرود بتوان مدعی شد که این سخنان را نیز ناسیونالیستهای ایرانی ساخته اند. چرا که گمان نمیرود درصالت آثار مقدسی، بختری، ابی سلطه ویا دیگر نویسندگان و شعرائ بلند آوازه عرب تردید کرد ویا آنکه آثار دلبسته ناسیونالیزم ایرانی قلمداد کرد. اینها گفته ها نوشته هائی است از مردمیکه تقریباً در زمان نوشیروان میزیستند و یا بلافاصله بعد از آن، مردمی که مسلماً بیشتر از ما با شرایط اجتماعی و برداشتها و مفاهیم جاری اخلاقی زمان آشنائی داشتند.

۲ - باز هم جای تاسف دارد که طی همین پاسخ کوتاه و در همین ابراز نظر اجمالی نیز همان شیوه شناخته شده برخی (روشنفکران) بکار گرفته شد. یعنی سنجش حوادث و پیش آمد اجتماعی قرنهای گذشته با معیارهای اجتماعی و اخلاقی قرن بیستم.

با توجه به توضیح پیشین، در حالیکه ما اصولاً در اینکه داستان نوشیروان و مزدکیان واقعاً رخ داده و بطور صحیح، کامل و واقعی بما گفته شده باشد تردید داریم، چگونه میتوانیم تا آن حد ادعای معرفت و آگاهی از شرایط اجتماعی، سیاسی، فکری و معیارهای اخلاقی زمان نوشیروان را داشته مدعی باشیم که با چگونگی ارزشها در آن اجتماع آشنائی لازم را حاصل کرده ایم و اکنون بخود اجازه داورى در حوادث مربوط به آن دوران را میدهیم. چرا که داشتن آگاهی کامل اساس داورى را

تشکیل میدهد. مسلماً اگر بدون آگاهی کافی داورى کردیم وجدان تحقیق و مستولیت اخلاقی را نادیده گرفته ایم. از طرف دیگر، با توجه باین اصل که تحول پذیری بسوی تکامل از خصوصیات ویژه (انسان) است، و بطریق اولی همه آثار و پدیده های انسانی از جمله مفاهیم - معیارها - و ارزشهای اجتماعی و اخلاقی نیز تحول پذیر است و بطرف تکامل پیش میرود، آیا انصاف و وجدان تحقیق اجازه میدهد که حوادث تاریخی ناشی از شرایط اجتماعی ده - پانزده قرن گذشته را با ارزشها و مفاهیم اجتماعی و اخلاقی امروز ارزیابی و نتیجه گیری کنیم؟ همچنین گمان نکنیم درک این حوادث هر زمانی ناشی از شرایط عمومی همان زمان است و فقط میتوان با معیارها و ارزشهای جاری همان زمان ارزیابی گردد چندان مشکل باشد.

۳ - اصولاً هیچ دلیلی برای درهم کوفتن تاریخ کهن ایران مشاهده نمیشود. یک چنین اقدامی چه فایده میتواند برای ایران بعنوان یک ملت داشته باشد جز اینکه وجود یک چنین تاریخی احياناً مانع از ریشه گرفتن پاره ای مکتبها و ایده تئوریهها خواهد بود؟ اگر تمصب در دست چپی یا دست راستی بودن را برای لحظه ای رها کنیم و بعنوان ایرانی علاقمند به مفاهیم ایرانی با مسائل برخورد کنیم، حصول این نتیجه غیر قابل اجتناب است که؛ هر گروه انسانی برای ادامه حیات بعنوان ملتی جدا گانه و مستقل نیازمند یک سلسله اعتقادات مربوط بهم است که بتواند اعضای گوناگون آن گروه انسانی یا ملت را بهم پیوند دهد و روح اتحاد را تقویت کند. یک ایدئولوژی ویا یک اعتقاد به تنهایی قادر به اجرای این نقش نیست چرا که همگان در یک اجتماع در آن ایدئولوژی خاص ویا آن اعتقاد ویژه سهیم نیستند تا دلبسته به حفظ وحدت و دوام ملیت باقی بمانند. اصولاً مجموعه ای از اعتقادات متکی به یک سلسله پدیده های

اجتماعی حاصل از تبادلهای روحی و ذوقی انسانهای عضو آن گروه انسانی یا آن جامعه که در مجموع فرهنگ آن ملت نامیده میشود مورد نیاز است. این پدیده ها عبارتند از: زبان، مذهب، ادبیات، هنرها، تاریخ، علوم و آداب و سنین اجتماعی شکل گرفته شده در طی روزگاران گذشته. همه این پدیده ها نماینده شخصیت و نوع فکر و ذوق آن گروه یا جامعه است که بعنوان دلیل وجودی آن گروه یا جامعه بعنوان ملتی جدا گانه و مستقل نقش آفرین است و در عین حال ماهیت و شناسنامه آن ملت محسوب میشود. تاریخ یا درست یا نادرست، واقعی یا ساختگی، بخشی از این پدیده ها است که سیر تکامل شخصیت ملی یک گروه انسانی یا یک ملت را بازگرمی کنند. در نگارش تاریخ ایران بدون تردید دخل تصرفهائی شده است. ولی در این تاریخ، چه آندسته که بدستور شاهان و چه آندسته که خارج از نفوذ شاهان نوشته شده، تلاش اصلی بر جلوه دادن شخصیت ایرانی بعنوان ملتی سر بلند قرار داشته است. تلاشی که در نهایت برای تقویت

روح و استحکام وحدت ملی بکار رفته است و تا کتون توانست بعنوان یک عامل مشترك - ولی در اختلاط با عوامل مشترك فرهنگی دیگر مانند مذهب، زبان، ادبیات، هنرها و آداب و سنین مشترك - خلقهای گوناگون ایران زمین را کنار هم نگاه داشته و از مجموع آنان مفهوم (ایران) را واقعیتی بخشد. اکنون چه نتیجه مثبتی از درهم کوفتن و مهرباطل زدن بربیک چنین تلاشی می توان حاصل کرد؟ ویا آنکه عادل بودن انوشیروان را مردود کردن و ظالم بودنش را ثابت کردن چه دردی را میتواند دوا کند؟ من نمیدانم! اما امیدوارم توضیح اشاره شده به مطالب خانم (پری ناز) دانسته ویا ندانسته در خدمت هدفهای آن عده قرار نگیرد که برای بنیان دادن به ایده های خود - بنا بر حکم منطق سیاسی و استراتژیک - باید ماهیت ظالمانه و فساد آمیز سلطنت (طاغوتی) محمد رضا پهلوی را نمونه کامل و بی کم و کاست سلطنت در ایران در تمامی تاریخ ۲۵۰۰ ساله این کشور قلمداد کنند!

پیروز مجتهد زاده آکسفورد

## دکتر کشاورز تکذیب می کند

متأسفانه اکنون بمناسبت ابتلای به آپاندیسیت چرکی ورم پرده صفاق - پری تونیت - در بیمارستان بستری و عمل جراحی شده و باز هم مراجعت من بوطن و زیارت ایران عزیز بتعمیق افتاد.

چند روز قبل تصادفاً کتابی بدستم رسید با عنوان «چریک» نوشته ف. کشاورز (از اعضای سابق کادر رهبری حزب توده)، من همیشه احترام عمیق برای از خود گذشتگی و جانبازی چریکهای فدائی خلق و همه سازمانهائی که مبارزه مسلحانه علیه رژیم استبدادی گذشته برخاسته بودند داشته ام و دارم و این نکته در گفته ها و نوشته های من همیشه منعکس بوده و هست. نظریات من نیز در مواردی با «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» یکی بوده ویا نزدیک بوده اند. با این همه کتاب «چریک» نوشته من نیست و نمیدانم چه کسی و چرا، به چه منظور این کتاب را بنام من نوشته و منتشر کرده است.

دکتر فریدون کشاورز - سوئیس - ژنو

۹ مه ۱۹۷۹  
۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

اولین کتابفروشی ایران در انگلستان

# خانه کتاب ایران

223, OLD BROMPTON ROAD, LONDON, SW5.  
TEL: 01-370 5337 EARLS COURT.

# روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

روزنامه ننگین

حمله و به آتش کشیدن دفاتر سازمانهای سیاسی و دستگیری و شکنجه روزنامه فروشان و دهها اعیان ننگین دیگر، بی-هیچ پردپوشی مورد تأیید مسئولان قرار میگردد و آن دسته از مقامات سیاسی و مذهبی که با چنین اعمالی موافق نیستند، عملاً با سکوت خود بر همه این اعمال صحنه می-گذارند

مراسم در جبهه ملی

جبهه ملی ایران نیز بمناسبت سالروز تولد دکتر محمد مصدق در ساختمان تشکیلات مرکزی این جبهه اجتماعی تشکیل داد که در آن دکتر کریم سنجابی از یاران و همکاران قدیم مصدق سخنانی ایراد کرد. دکتر سنجابی که قرار بود بعد از ایراد سخنرانی بدین مصاحبه مطبوعاتی نیز بپردازد مصاحبه خود را به وقت دیگری که تاریخ آن هنوز معلوم نیست، موکول کرد. وی در سخنرانی خود از دکتر محمد مصدق بعنوان پیشوای آزادیخواهان ملت ایران یاد کرد و ضمن ستایش از اصالت و اعتقاد و صحت عمل و سلامت و قدرت مقاومت و مناومت ایستادگی دکتر مصدق در برابر قدرت های استبدادی و استعماری یادآور شد که این خصایص مصدق را بعنوان شخصیتی قاطع و انحراف ناپذیر در رهبری نهضت ملی ایران مشخص و نمودار ساخته است.

در بخشی دیگری از سخنان خود، آقای دکتر سنجابی به تشریح دسایس استعمار برای جلوگیری از انتقال میانی فکری و مبارزاتی نهضت مشروطه بر سئلهای سیاسی پرداخت و مختصات مقاومت مصدق در مقام رهبری نهضت ملی در برابر این دسایس را برشمرد و ضمن تأکید بر تأثیر بخشی مبارزات مصدق در نهضت های آزادیبخش کشور دیگر شعار مبارزات مصدق شعار روز ملت ایران است تا همین آزادی و استقلال واقعی ایران امروز بهمان اندازه دوران مصدق و حتی بیش از آن احتیاج به هشیاری و بی-گیری فرزندان این آب و خاک دارد انقلاب عظیم اسلامی ملت ایران با رهبری قاطع و مصمم حضرت آیت الله امام خمینی موفق شده است نظام استبدادی راسنگون سازد و مرکز اصلی توطئه استعماری رادرم کوبد ولیکن تأمین آزادی و استقلال کشور مستلزم ایچ یک قدرت مسئول و نیرو عملگتی مبتنی بر اصول دموکراسی و حرکت مردم در اداره امور و بازسازی کامل اقدام سازمان اجتماعی است.

## صدمین زادروز مصدق...

بقیه از صفحه ۷

کامل سلطه امپریالیزم از هیچ-گونه فداکاری دریغ نکنیم. کوششهایی همه جانبه در جریان است تا کارگران یعنی همان نیروئی که برای رهایی خود و زحمتکشانش بزرگترین نقش را در قیام قهرمانانه خلق های ایران بازی کرده دوباره چون گذشته به سروری سرمایه-داران وابسته و کارگزاران آنها کردن نهند. فشار بر کارگران دم به دم افزایش مییابد، نیرو های هوادار طبقه کارگران از جانب دست راستیهای افراطی که می-خواهند ایران را دو دستی تقدیم امپریالیزم کنند در معرض شدیدترین حملات قرار گرفتند و کار به جایی رسیده که اگر کارگران بیکار بخواهند برای احقاق ابتدائیترین حقوق خود به پایکوبی و مبارزه بپردازند زندان میگردند. در وضعیت دهقانان هیچ تغییری پدید نیامده و امید به تغییر نیز روز به روز کمتر میشود.

بر سر راه انقلاب ارتش که با نظر صفا شهید در پراپس جلاادان و مزدوران امپریالیزم آمریکا و هیونیوزم به مقاومتی دلاورانه دستزد، و در حساب ترین و سخت ترین شرایط دوما دروش رزمندگان خلق به مبارزه بر علیه فرمانده های مزدور و جلاادان شاه برخاست و هرروز زیر فشار بیشتری قرار میگیرد.

آزادی مطبوعات، این ابتدائی ترین حقوق مردم، که همه مقامات سیاسی و مذهبی آنرا قبول داشتند، روز به روز ضربه تازمائی خورده است، تا جائی که امروز کتاب سوزی، حمله به روزنامه فروشیها و به آتش کشاندن مراکز پخش مطبوعات،

رفت و نه از یاد دشمنان سوگند خورده آزادی و آزادی اندیشی، در هر کجا که باشند ...

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق

سازمان چریک های فدائی خلق نیز به این مناسبت اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه آمده است:

امروز یکصدمین سالگرد تولد مردی است که میهن-پرستان و آزادیخواهان ایران، هرگز خاطره مبارزات آزادی-خواهانه و استقلال طلبانه او را از یاد نخواهند برد. نام مصدق همیشه برای مبارزان و انقلابیون ایران گرامی است. مصدق آزادهای بود که هرگز از برخورد آزادانه اندیشه ها نهراسید و در تمام طول زندگی مبارزاتیش، عشق خود را به آزادی اندیشه، آزادی فعالیت های سیاسی، آزادی مطبوعات او آزادی بیان که ضامن آگاهی توده ها و استقلال میهن است، نشان داد.

ما بیکار در سالگرد وفات مصدق، بر مزار او در احمدآباد گرد آمدیم و با گرامیداشت خاطره او، بر ضرورت همبستگی و همکاری کارگران، زحمتکشانش و نیرو های ترقیخواه، در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب میهن و دفاع از آزادی و استقلال ایران و پیگیری در مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران تأکید کردیم.

امروز برای دومین بار پس از قیام شکوهمند خلق های قهرمان ایران، بار دیگر نام وحدت بخش مصدق را به یک می گیریم و در یکصدمین زاد روز او، عهد می بندیم که در راه تحقق آرمان مصدق، یعنی استقلال و آزادی ایران و محو

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

فدائی چریکهای فدائی خلق

### قسمتی از بیانات آیت الله خمینی خطاب به بانوان قم

اینها آزادی منهای اسلام را می-خواهند این غیر از طریقه شماست : شما اسلام را میخواهید . ما اسلام را میخواهیم که اسلام با آزادی بدیده و نه آزادی منهای اسلام . آنها استقلال منهای قرآن را میخواهند . ما قرآن را میخواهیم . اگر تمام آزادیها را بنا بدهند و تمام استقلال ما را بیاورند و بخواهند قرآن را بگیرند نمیخواهیم .

ما بجزار قسم میآوریم از آزادی منهای قرآن ، ما بجزار قسم میآوریم از آزادی منهای اسلام ، ما بجزار قسم میآوریم از آزادی منهای اسلام .

روانیت را میخواهیم . ما میخواهیم که با تمام استقلال و تمام آزادیها ما را بیاورند و بخواهند قرآن را بگیرند . اول میخواهیم که قرآن را بیاورند و بعد از آن میخواهیم که تمام آزادیها را بیاورند . ما میخواهیم که تمام آزادیها را بیاورند و بعد از آن میخواهیم که تمام آزادیها را بیاورند .

من چیزی ندارم . امروز وقت اینست که ما اسلام را تقویت کنیم . همه افکار بیدار باشند . کارگاه بیدار باشند ، همگانی بیدار باشند ، بازاریها بیدار باشند ، دانشگاهها بیدار باشند ، کراسما

منهای روحانیت یعنی لا اسلام . درجه اولش اینست بعد هم کتاب های روحانیت را بدبریا بریزند ، بیدار باشید ، من توجه شما را باین خطر عظیم عطف میکنم . خطر بزرگ است ما آزادی میخواهیم . دموکراتیک میخواهیم ، استقلال میخواهیم ، خنهای اسلام .

در تمام حرفهایشان اسلام در کار نیست . اگر اسلام نبود شما حالا در زانوها بودید ، شما در خارج کشور بودید ، اگر در کشور بودید در زانوها زندگی میکردید ، در بیوقوفه ها زندگی میکردید .

توانستید ظاهر شوید ، اسلام است که شما را آزادی داد و آورد در میدان ، برضد اسلام قیام نکنید ، خواهران من - عزیزان من ، برادران من توجه داشته باشید . توطئه در کار است ، توطئه بزرگ در کار است . توطئه ها در کار است ، قهرقاری مختلفه که با تمام پشت کردند و از اول توجه نداشتند . دارند تمام جمع میشوند ، باید کارهای خودشان تجدید نظر کنند . این اجتماعات ، خودشان تجدید نظر کنند .

### آیت الله خمینی :

### هر که در مسیر اسلام نباشد دشمن ماست

بچه از صفحه ۶

آلمانی را به بنیدید . شما که برای این جهت نیامدید . شما آمدید پیش یکتفری که پاشا همدرد است . هم اسلام را نمیخواهد ، همانکه شما می خواهید او هم می خواهد . باید بشناسید علامتش هم همین است کسه بن عرض میکنم . روزنامه ها را بخوانید اینهائی که فریاد میزدند که باید دموکراسی باشد اینها سیرشان غیر از این است . اینهائی که اسمی از اسلام نمی آورند و اجتناب میکنند از اینکه اسمی از اسلام بیاورند . در عرض اسم الله الرحمن الرحیم راضی خواهند بگویند . اگر نوشته های آنها را بخوانید ببینید که از جمهوری اسلامی اصلاً صحبتی نیست . اینهائی که از این فدائیکاری که روحانیون کردند و قدم اول را روحانیون برداشتند . ۷۵ خرداد روحانی قدم برداشت و باید تعطیل شود برای روحانی . ونهضت روحانیت ، اینهائی که می بینید اجتناب از این دارند . حتی باید اسم دیگری روی آن باشد اسلام نباشد هر چه میخواهید باشد .

### ملی گردن نفت مطرح نیست

اینها میخواهند سرپوش بگذارند روی مقاصد خودشان آن مقاصدی که برخلاف مسیر ما است با اسم یکتفری که ملی است . مسیر ما مسیر نفت نیست . نفت پیش ما مطرح نیست . ملی کردن نفت پیش ما مطرح نیست . این اشتباه است . ما اسلام را میخواهیم . اسلام که آمد نفت هم مال خودمان میشود . مقصد اسلام است مقصد ما نفت نیست . اگر یکتفر نفت را ملی کرده است اسلام را کنار بگذارند برای او سینه بزنند .

### روحانیین را می خواهید کنار بگذارند

هر کسی را دیدید با هر اسمی - هر عیقتی را با هر اسمی - هر جمعیتی را دیدید با هر اسمی - هر نویسنده ای را دیدید با هر اسمی - هر کسی که دعوی میکند که ما حقوقدان هستیم و دعوی هر چیزی که میکند به بنیدید مقالاتشان چگونه است . در روزنامه ها عقالتی که می نویسند . به بنیدید وقتی که اجتناب میکنند که کرده اند به بنیدید که با اسلام بطور مخالفت میکنند . به بنیدید این اجتماعات از چه نوع جمعیتی تشکیل میشود ، به بنیدید چه مردمی در این اجتماعات جمع میشوند و خودشان را متصل میکنند ، بعد هم اسم اسلام طبع خبری نیست . به بنیدید چه جمعیت هایی هستند که روحانیین را میخواهند کنار بگذارند همانطور که در صدر شروط طبع روحانی کار را کرد و اینها زدن و کشتند . ترور کردند . همان نقشه است . انوقت سید عبدالله بهبهانی را کشتند مرحوم نوری را کشتند و امیر ملت را از آن راهی که بود سرگردانند به مسیر دیگر . الان همان نقشه است که مطهری را می کشند . فردا هم شاید من را و پس فردا هم یکی دیگر را . مسیر غیر مسیر ما است . مسیر ما اسلام است و ما اسلام می خواهیم . ما آزادی که است ، ما اسلام بر آن نباشد . نمی خواهیم . استقلالی که اسلام در آن نباشد نمی خواهیم . ما اسلام میخواهیم و آزادی که در پناه اسلام است . استقلالی که در پناه اسلام است ما میخواهیم . ما آزادی و استقلال بدون اسلام به چه دردمانی خورد . وقتی اسلام نباشد ، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد ، وقتی قرآن اسلام مطرح نباشد هزار آزادی باشد ، مالک دیگر هم آزادی دارند . ما آنرا نمی خواهیم .

### من حجت را دارم تمام می کنم برای ملت ایران

دشمن خودتان را بشناسید ما توطئه را می شناسیم . من حجت را دارم تمام میکنم برای ملت ایران . من می بینم بدیختمانی که از دست همین اشخاصی که فریاد آزادی میکنند ، برای ملت ایران بدیختی را دارم می بینم . بدیختی ملت ما توطئه است که ملت ما از قرآن جدا باشند . از احکام خدا جدا باشند ، از ایمان جدا باشند . ما آزادی در پناه اسلام می خواهیم . استقلال در پناه اسلام می خواهیم . ما اسلام طلب اسلام است . من اینها را بشناسم نمی گویم . باین اشخاصی که با تمام را کاری ندارند . روحانیت را هم کاری ندارند ، می خواهند یک مملکت غریب درست کنند برای شما آنگاهئی که حسن نیت دارند ، نیت سوء ندارند نمی خواهند رژیم دوباره برگردد ، با او هم بد هستند . اینها می خواهند یک مملکت غریب برای شما درست کنند آزاد هم باشید و مستقل هم باشید اما نه خدائی در کار باشد و نه پیغمبری و نه امام زمانی و نه قرآنی و نه احکام خدا ، نه تعازی و نه چیزی .

### هر جا که گفتند جمهوری بنادید توطئه است

شما شهادت را برای خودتان فوز میدانید برای اینکه مثل سوئیس بشوید . شما قرآن را می خواهید ، شما برای اسلام قیام کردید . اینهمه رنج و زحمت که روحانیت می برد برای اسلام است ، هر جا که گفتند جمهوری بنادید که توطئه است اسم اسلام را بیاورند ، هر جا گفتند جمهوری بنادید توطئه است ، باین اشخاصی که برای اسلام است . آزادی منهای اسلام است . استقلال منهای اسلام است . اینهمه تبلیغاتی که اهل قلم میکنند نمیدانم اهل بیان تبلیغاتی که میکنند که ما از آن دیکتاتوری فارغ شدیم دیکتاتوری عباده و کفش آمده اینها ضد اسلام هستند . آخوند دیکتاتور نیست . آخوند می خواهد مردم آزاد باشد . آخوند میخواهد استقلال باشد ، آخوند با توطئه مخالف است نه با آزادی . اینها می خواهند روحانیت را کنار بگذارند .

آنگاهئی که حسن نیت دارند ، حسن نیت باین معنا که نیت شان اینست که رژیم سابق نه و خارجیها هم نه . اما چی . اما اسلام هم نه . آنگاهئی که بیضال خودشان حسن نیت دارند نه رژیم سابق را می خواهند با آن دشمن هستند . و نه اجاب را می خواهند با آنها هم دشمن هستند و نه اسلام و آخوند را . اسلام و هر چه وابسته به اسلام

است . آخوند پنی اسلام ، روحانیین باطن اسلام در هم مدعیانند . آنکه به روحانیین بطور کلی نه بدید آخونده باطن . هر کس به بن هر چه بگوید مانعی ندارد ، آنکه باغوان روحانیین و آخوند مخالفان است آن دشمن شما است . او آزادی را ممکن است برای شما تأمین کند ، استقلال هم ممکن است برای شما تأمین کند اما استقلال که در آن امام زمان نیست ، آزادی که در آن قرآن نیست ، آزادی که در آن پیغمبر اسلام نیست ، ملت ما خوشی را برای دین هاده برای آزادی و خداداده .

### روحانی آزادی در پناه اسلام میخواهند

ملت ما تبع حضرت سیدالشهدا شد . او خوشی را برای چه داد . حکومت می خواست ، استقلال و آزادی میخواست ، او خدا را می خواست . او می خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا کند ، روحانی اسلام میخواهد ، روحانی اسلام در پناه اسلام می خواهد و آزادی در پناه اسلام را میخواهد .

این برنامه کوتاه مدت که شما بشناسید اشخاصی که سیرشان سیر خدا است . سیر اسلام است . سیر امام زمان است راه شناختن باین معناست اگر گفتند جمهوری اسلامی بداندید راه ، راه شهادت و اگر از این کلمه اجتناب کردند ، اگر دیدید که با روحانیت شما موافقت بداندید با قرآن هم موافقت ، بداندید با اسلام هم موافقت . اگر گفتند اسلام منهای روحانیت بداندید با اسلام موافقت . اینها برای گول زدن می گویند . اینها برای اینکه این دژ را بشکنند دنبالش اسلام رفته است دیگر محتاج به چیزی نیست . اسلام که گویند اسلام ندارند این اسلام نیست ، اسلام که در کتاب نیست . کتابش را هم فرما از بین می برند . آن کسی که روحانیت را میخواهد از بین ببرد کتاب روحانیت را هم می خواهد بریزد بدور . اگر روحانیت رفت تمام کتب دینی ما بدبریا ریخته میشود ، آن شه زده میشود .

### من حجتی که خدا برایم دارد ادا کردم

این برنامه کوتاه برای مصلحت است اللهم قذبل نقد من رسانم بشما ملت ، من مطلب را گفتم بشما و باید هم گفته بودم . من مسائل که میدانم و میفهمم وظیفه ای نیست که بگیرم و گفتن . من حجتی که خدا برایم دارد ادا کردم . این برنامه کوتاه مدت شما است که باید با تمام اینها مبارزه کردند بدتر از آن مبارزهای که پاشا کردید . دشمنی بعضی از این طوایف برای اسلام کمتر از دشمنی او نبود . او در عین قدرتش هم باز خدا را می آورد ، باز زیارت میرفت ولو بطور ریا بود . اما اینها بیانی هم حاضر نیستند . اینها هیچون قرآن میکنند از اسلام و قرآن احکام اسلام که حاضر نیستند دروغ هم بگویند ولو خلاف هم باشد بگویند و بیرون .

### بسیاری از کلمه های از اسلام بکار نمی روند

بعضی از این نویسندگانی حاضر نیستند برای جلوگیری از مقصدشان یک کلمه اسلام بکار ببرند ولو برای اینکه ما را بازی بدهند . ما با اینها باید همان مبارزه ای را کنیم که با محضرنا کردیم برای اینکه توطئه در کار است نه قضیه آزادی . آزادی لکن نوطئنه ، جمع آوری قشرا را در هم و برهم و رامانداختن بهر بهانه ای . برای هر استخوانی تنگی رامانداختن و دنبالش آن با اسلام مخالفت کردن قابل نیست .

### برنامه طویل المدت برای همه ملت ایران

برنامه طویل المدت برای شما جوانها ، برای شما خانم و برای همه اینست که اگر شما با یک انسان مذهب باشید مقاصد اسلامی را پیش ببرید . اگر این خانها بجهای مذهب بار بیاورند بجهای اسلامی باریا آورند شما هم دینتان و هم دنیاتان محفوظ است . اگر خدای نخواستد در دامن اینها بچه غیر مذهب و بچه غیر اسلامی پیدا شود و در کفالت شما جوانها بچه های غیر اسلامی بجهای غیر مذهب پیدا بشوند و در دستهای ما که بجهای میروند مذهب و مودب به آداب اسلامی نباشند و در دستهای ما که جوانها ما میروند تندیب در کار نباشد . ادب اسلامی در کار نباشد و از علوم و احکام اسلام خبری نباشد روزه بوزل است . یعنی هم اسلام نیامد میروند وهم کشور . برنامه طویل الصب و دراز مدت اینست که شما خودتان را تهییب کنید و بجهایتان را . برای آتیه شما کشور لازم داریم . بسیاری بجهای خودتان و اسلام برای بجهایتان . شما حالا بواسطه اینکه مودب شدید به آداب اسلام . حالا کار می کنید . لکن اولاد شما اگر چنانچه مذهب نباشد و مودب به آداب اسلام نباشد خدا برای اسلام هیچ کاری نمیکند ، و کسی که ایمان نداشته باشد کسی که بحد اعتقاد نداشته باشد ، کسیکه به روضه جزا اعتقاد نداشته باشد این برای کشور مفید نخواهد بود . ممکن است یکی دوتا پیدا بشود اما ما حجتتان بر سر توده مردم است . مردمی می توانند کشور خودشان را حفظ کنند ، مردمی می توانند مملکت و ملت خودشان را نجات بدهند که معنویت داشته باشند . اگر معنویت در کار نباشد وهم مربوط به مادیت باشد هر جا آخور بهتر است سران آخور میروند ، و توی اینکه آن آخور را امریکا بارش درست بکنند .

اینهائی که به مملکت ما خیانت کردند و مملکت ما را به تهاشی کشاندند اینها آنها بودند که ایمان نداشتند . اگر در بین آنها یکتفر ایمان داشت آن یکتفر این کارها را نمیکرد . آنهائی که خوردند و برند ما را به تهاشی کشاندند . آنهائی بودند که با تمام کاری نداشتند . اعتقاد نداشتند به باور اعلییمین و باور اعلییمین نداشتند . بی معنویت عقیده نداشتند . آنها میگفتند همین چهار روز زندگی مرفه تر بهتر است از هر ای که میخواهد باشد .

برنامه طویل المدت ملت ما . برنامه دراز مدت ملت ما اینست که بجهای خودشان اینهائی که تحت تربیت آنها است ، مصلحتهای

# آزادگان

ایده آل آزادی شرق در دنیای معاصر  
**محمد یگانه آرانی**  
 جلدی سه پوندد

بهشتی که کلیدی بر درش هست  
 بهشت من ندارد درب و دیوار  
 نیمی خواهم، ولو صد کوشش هست  
 نگشته از خروجش کس گهکار  
 ورودش شرط و بیمانی نخواهد  
 خروجش طرد و عصیانی نخواهد  
**فروش بتوسط نیما و کلت**

**ارز**  
 موجود است  
 تلفن:  
 (۰۷۸۸) ۸۱۳۳۷۷

**انجام کلیه کارهای ارزی  
 و حوالجات و خرید  
 فرش های ایرانی**  
 تلفن - لندن - ۰۵۸۵ - ۴۹۳ (۰۱)

## آبارتمان فروشی

آبارتمان مدرن و نوساز دارای دو اتاق خواب، يك نشیمن، با سرویس کامل، سانترال هیتینگ، مبله، در محله اعیان نشین و با صفای کینگستون نزدیک ریچموند پارک، ۹۹۲ ساله، به قیمت: ۳۵۰۰۰ پوندد  
 ۵۰۰۰ پوندد آنرا چنانچه خریدار بخواهد، ربال دریافت می شود.  
 تلفن: لندن ۸۱۵۹ ۵۴۹ (۰۱)

## در شهر ساحلی و تفریحی بورنموث

آبارتمان لوکس و بسیار عالی، با منظره وسیع و سرتاسری مشرف به دریا، ۲ اتاق خواب، نشیمن بزرگ، بالکن آفتابگیر، ۲ حمام، آشپزخانه مجهز و لوکس، قیمت ۴۵۰۰۰ پوندد  
 لندن ۱۳۵۱ ۲۲۹ (۰۱)  
 تلفن: بورنموث ۲۸۹۰۸ (۰۲۰۲)

## دروازه انقلاب ... بقیه از صفحه ۱۵

۱۹۷۷ سوماتالی از نظر دول غرب و حکومت های محافظه کار خاورمیانه، بنانه قلمرو توسعه ملی شوروی فرض میشد و این فرضیه از آنجا ناشی میشد که شوروی از پایگاه دریایی بندر بربرا استفاده میکرد.  
 ۲۲ - اینترنشنال هرالد تریبون (۱۵ دسامبر ۱۹۷۸) یکی از منابع سفارت گت بزرگترین گروه درمان متخصصین جدید نظامی و خبر گان امنیت داخلی به بخش حفاظتی سفارتخانه گزارش میدهند.  
 ۲۳ - يك ارزبایی نادرست، از سیاست خارجی شوروی در جهان سوم در کتاب صلح سرد: نیرومندی شوروی و امنیت غرب نوشته اریک شو آمده است. (در انتشارات حزب کارگر، ۱۹۷۸)  
 ۲۴ - کتاب آکترناتیو اور وای شرقی نوشته رودلف بارو (لندن ۱۹۷۸)

## ایران شهر را بخیرید و به دوستان خود توصیه کنید.

حق اشتراك به قرار زیر است:	هوایی	هوایی	انگلستان
سه ماهه (۶ شماره)	۵ پوندد	۵/۵ پوندد	۴ پوندد
شش ماهه (۱۳ شماره)	۱۰ پوندد	۱۱ پوندد	۸ پوندد
یکساله (۲۶ شماره)	۱۸ پوندد	۲۰ پوندد	۱۵ پوندد

در انگلستان: با استفاده از چك یا Postal Order با دفتر انگلیسی تماس بگیرید.  
 در سایر کشورها: با استفاده از حواله پستی بین المللی با آدرس انگلیسی تماس بگیرید.

توضیح: وصول چکهای بانکهای خارجی در انگلیس تا دو پوندد هزینه دارد که ناچار به حساب مشترک گذارده می شود. شماره های دوره گذشته نشریه به ازاء هر شماره ۲۵ پنس برای متقاضیان فرستاده می شود.  
 برای دادن سفارش فرم زیر را تکمیل نموده و به همراه مبلغ به نشانی های مربوطه بفرستید.

### دفتر نشریه ایران شهر

مایلیم ایران شهر را از شماره ..... بمدت:  
 سه ماه       شش ماه       یکسال  
 شماره های گذشته از شماره ..... تا ..... مجموعاً به مبلغ ..... را دریافت کنم.

نام و نشانی (با حروف بزرگ لاتین و خوانا)

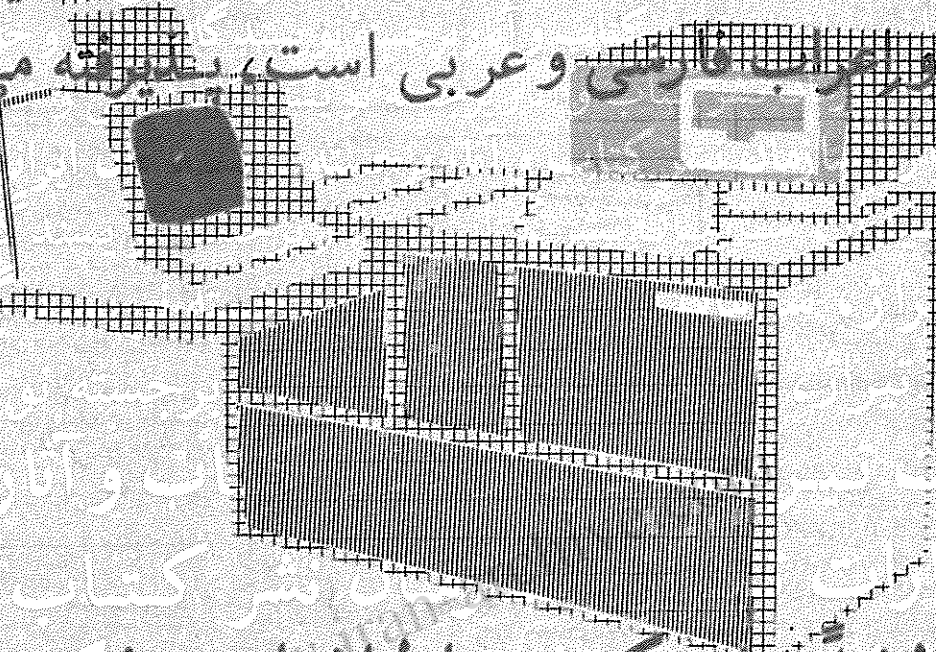
اسم .....  
 آدرس .....  
 .....  
 .....  
 شهر .....  
 چك بانك انگلیسی / حواله پستی بین المللی، شماره ..... به مبلغ .....  
 پوندد، بنام IRANSHAHR پیوست است.

ما - مادرهای بچه های ما - پدرهای بچه های ما - معلم های بچه های ما - استاد های بچه های ما - نویسندگان برای بچه های ما - گویندگان برای بچه های ما ، اینها منویات را باین علت بفرستادند . آنها را با منویات آشنا کنند .  
 این مادر که بچه در دامن او بزرگ میشد بزرگترین مسئولیت را دارد . و شریفترین شغل را دارد . شریفترین شغل در عالم بزرگ کردن يك بچه و تحویل دادن يك انسان است بنامه . این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیاء را فرستاد . در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیاء آمدند انسان درست کنند . شغل مادری چه معالاف جانب این شغل را پیش ما مبتدل کردند و مادرهای بچه های ما را از بچه ها جدا کردند . این شغل بزرگ را مبتدل کردند که از دامن مادر بچه صحیح بیرون نیاید و بعد که بدبستان می رود و بعد که تحت حمایت پدر می آید پدر را هم يك کاری بکنند که توجهش به بچه نباشد . تربیت نکنند . بعد هم در بدستان دبیرستان و بعد در همه جا و بالاتر از آن . اینها میخواهند که انسان در این کشورها نباشد ، اگر انسان در این کشورها باشد دست آنها کوتاه خواهد شد . می خواهند سلطان صحیح و بوعن بالله آنک شهادت را فوز میدانند در این مملکت نباشد . دیدند اینهایی که دست آنها را کوتاه کردند همینها بودند که زور و درخشا با آنها ریختند و فریاد کردند اسلام ، اینها از اسلام می ترسند .  
 آن بر نامه قلیل العدت و کم مدت و این بر نامه دراز مدت و این عطشی است که بشا عرض میکنم و شما ببرادرها و خواهرهای من از قول من عرض کنید که مطلب اینست . همه با هم و مسئله مسئله جمهوری اسلام است . بعد هم که انشاء الله می خواهید و کیسب تعیین بکنید برای هر عطشی که می خواهید تعیین کنید و کیلی که به جمهوری اسلامی اعتقاد داشته باشد .

**و کیلی که جمهوری اسلامی نخواهد بشد شمان می خورید**  
 اگر و کیلی باشد که پیشانی پسته بسته است از شدت سجنده ولیکن جمهوری اسلامی را نمی خواهد این بدرد شما نیخورد . و اگر و کیلی باشد که بداند دشمن با رژیم منحوس بود و دشمن با آمریکا و شوروی بودندکن جمهوری اسلامی نیخواد این و کیلی را انتخاب نکنید .  
 و کیلی که تعیین می کنید آنست که به جمهوری اسلامی عقیده داشته باشد نه چهار روزیکه حالا میخواد و کالت بکند بگویند جمهوری اسلامی .  
 ما یکنفر داشتیم سخراست و کیلی بشود میگفتند که این آدم در ایامی که میخواد رای بگیرد نماز میخواند . این طور نباشد خودتان فهمیده باشید . بین خودتان زندگی کرده باشد و فهمیده باشید که مسیر همان میری است که شما دارید . اگر یکنفر آدمی باشد که فیلسوف زمان باشد ، یک آدمی باشد که تمام عالم را در تحت سیطره علمی خودش برده باشد . لکن جمهوری اسلامی را نیخواد این را تعیین نکنید .  
 خداوند انشاء الله شما را حفظ کند و موید و منصور کند و این راه را هم ما با هم انشاء الله ادامه بدیم .

# حروف چینی فارسی و عربی

با استفاده از ماشین حروفچینی کامپیوتری COMP/SET که از مدرن ترین ماشینهای حروفچینی افست با ظرفیت حروف ۸ نازک تا ۷۲ سیاه و دارای کلیه علائم، ترکیبات و اعراب فارسی و عربی است، پذیرفته می شود.



لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر و سفارش

حروفچینی کتاب، نشریه، اعلامیه، پوستر و... با دفتر

انتشارات تیراژ به نشانی زیر تماس بگیرید

**Farsi & Arabic Typesetting by COMP/SET**

(with all Arabic Ligatures & Accents, from 8-72 Points, both in Bold & Light) for Books, Directories, Journals, Posters etc.

For further information contact:

Tirage Publications, P. O. Box 39, London

SW19 1LE.

Tel : (01) 543 3466/7

Telex : 927629